

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۴ / سال هشتم / آذر ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

# کارگران مشغول حبسند!



از اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد حمایت می کنیم!



در این شماره می خوانید:



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) مراجعه کنید.

## بازداشت اعضای "مجمع نمایندگان کارگری" نیشکر هفت تپه را قویا محکوم می کنیم!

بازداشت کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را قویا محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان می باشیم. در ششمین روز از اعتراض کارگران در مقابل فرمانداری، همه نمایندگان کارگران و چند تن دیگر از کارگران پیشرو همچنین یک خبرنگار که ۱۸ تن می باشند؛ بازداشت شده اند. مطابق اخبار منتشر شده همگی کارگران بجز آقایان اسماعیل بخشی، مسلم آرمند، محمد خنیفر، سیدحسن فاضلی و خبرنگار بازداشت شده، در کمتر از ۴۸ ساعت باقرار کفالت آزاد شده اند.

کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در سال جاری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق بارها دست به اعتصاب زده اند. از دور جدید اعتصاب پانزده روز گذشته است و یک هفته است که کارگران مطالبات خود را در خیابان های شوش و مقابل فرمانداری فریاد می زنند. اصلی ترین خواسته کارگران در دور اخیر اعتصاب شان، خلعت بخش خصوصی از کارخانه و پرداخت حقوق های معوقه شان می باشد. اما تاکنون هیچ توجهی به خواسته های کارگران نشده است. مردم منطقه و بسیاری دیگر از اقشار جامعه در همبستگی با کارگران از خواسته های آنان اعلام حمایت کرده اند.

با وجود دستگیری ها، کارگران به درستی از خواسته های خود عقب نشینی نکردند و ضمن ادامه اعتصاب، در حمایت از کارگران بازداشت شده اعتراض خود را به مقابل دادگستری شهر شوش برده اند. تداوم ادامه اعتراض کارگران به این روش قطعاً در آزادی دستگیر شدگان و دستیابی به خواسته هایشان بسیار موثر خواهد بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه قویا بازداشت کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را محکوم می کند و همبستگی خود را با اعتصاب کارگران اعلام می دارد. از طبقه کارگرسراسر کشوری خواهیم بهر شکل ممکن از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه حمایت کنند. نمایندگان کارگران و سایر کارگران بازداشت شده باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند و خواسته های کارگران فوری اجرا شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۲۹ آبان ۱۳۹۷

## از اعتصابات کارگران فولاد و هفت تپه و آموزگاران حمایت می‌کنیم!



در خواسته های خانواده های کارگری نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز یک چیز نمایان است: «کارخانه ها را راه اندازی کنید تا نانی داشته باشیم»

مالک کارخانه فولاد بانک ملی است. آیا این بانک توان راه اندازی کارخانه فولاد را ندارد؟؟ یا اینکه باید پول هایش را به جای راه اندازی فولاد به خاوری ها تقدیم کند؟ آیا کارفرمای هفت تپه نمی توانست به جای عوض کردن دکوراسیون دفاتر مدیریت به فکر راه اندازی نیشکر هفت تپه باشد؟؟

بی تردید چه بانک ملی و چه مالک نیشکر هفت تپه آنچه برایشان مهم نیست راه اندازی کارخانه هاست. سرمایه داری رانتی و غارتگر به دنبال وابسته تر شدن اقتصاد ایران به خارج است. سلطان شکر هرگز اجازه نمی دهد واردات

شکر متوقف شود و در عوض هزاران خانواده کارگری در هفت تپه به سرکار رفته و کشور بی نیاز از واردات شکر شود.

مسلم است که سرمایه داری غارتگر نمی خواهد آموزش رایگان باشد و باید دهان آموزگاری را که چنین خواسته ای دارد را نیز به هر طریقی بست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعتقاد دارد سرمایه داری غارتگر داخلی همدست سرمایه داران کشورهای اروپایی و آمریکایی است و برای به نابودی کشیدن ایران از هیچ کاری دریغ نخواهند ورزید. باید مایحتاج مردم را در ایران در انبارها احتکار کرد و گرانی را به خانواده های کارگری تحمیل کرده و در همین راستا ایران را نیز تحریم تا خانواده های کارگری بیشتر در مضیقه و فشار قرارگیرند. باید خانواده های کارگری رامستاصل کرد به خیابان کشاند تا مردم به جان آمده آرزوی ابلهانهی فرومایه تراز مالکان فولاد و هفت تپه راداشته باشند. سرمایه داری نقشه دقیقی برای فروپاشی ایران کشیده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران پادگانی کردن نیشکر هفت تپه و احضار و دستگیری کوشندگان کارگری فولاد و هفت تپه را محکوم می کند. بستن دهان آگاهی بخش آموزگاران چاره کار نیست و با دستگیری آموزگار ، آگاهی متوقف نخواهد شد.

### کارگران و آموزگاران هموطن؛

برای دستیابی به زندگی بهتر باید تفرقه اندازان را از جنبش بیرون کرد. حفظ اتحاد ضروری ترین نکته کلیدی مبارزات ماست. متحد شویم!

## سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۶ آبان ۱۳۹۷

## اطلاعیه کنفدراسیون جهانی مواد غذایی برای آزادی کارگران زندانی هفت تپه، پرداخت حقوق های عقب افتاده و جلوگیری از اذیت و آزار کارگران.

کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در شوش، اعتصاب و اعتراضات ۱۸ روزه جمعی خود را برای مطالبه دستمزدهای پرداخت نشده خودشان که از ماه اوت در مقابل صعود هزینه های زندگی روزمره است را ادامه می دهند. در روز ۱۴ نوامبر، کارگران معترض در مقابل فرمانداری و بعد در مقابل دفتر اعضای مجلس جمع شدند، نمایندگان مجلس خواستند به سواها و درخواستهای کارگران پاسخ دهند، کارگران اعتراض خود را به جلوی دفتر فرمانداری خوزستان منتقل کردند. سپس اعتراضات به سطح شهر شوش گسترش یافت. در ۱۸ نوامبر، ۱۸ فعال شناخته شده کارگری دستگیر شدند. چهار تن از فعالان بازداشت شده - سید محسن فاضلی، اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و مسلم آرمند به زندان اهواز منتقل شده اند و از دسترسی به وکیل قانونی محروم شده اند. رضا رخشان، نماینده سندیکای مستقل کارگران هفت تپه که پیش از این برای فعالیت های اتحادیه اش در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در زندان بوده است، تحت نظارت مستمر قرار گرفته و به طور مداوم به دادگاه احضار می شود.

اعتصاب و اعتراضات کارگران و خانواده های آنان در کنار کارگرانی که خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود و آزاد کردن همه بازداشت شدگان می باشند، ادامه دارد.

## بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در خصوص برگزاری تحصن سراسری آبان ۹۷

دانش آموزان عزیز، معلمین آگاه و مردم شریف ایران

تحصن سراسری آبان ماه نشان داد که معلمان ایران برای تغییر وضعیت موجود مصمم هستند. وضعیت معیشت و زندگی معلمان مانند اکثریت مردم ایران چنان مورد حمله قرار گرفته است که تهدید و زندان هم نمی‌تواند معلمان را از مطالبه‌گری منصرف کند.

پایان تحصن اگر چه با دستگیری و احضار گسترده معلمان و فعالان صنفی همراه بود اما بعد از تحصن نیز تهدیدات و احضارها تاکنون متوقف نشده و هر روز خبری از گوشه‌ای از ایران، مبنی بر یورش نهاد‌های امنیتی به منزل یک فعال صنفی جهت تفتیش منزل و ضبط گوشی موبایل و کامپیوتر صورت می‌گیرد و روزانه فعالان صنفی به حراست ادارات، دفاتر خبری اطلاعات و اطلاعات سپاه در مراکز استانها و شهرستان‌ها احضار می‌شوند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن روند احضار، بازداشت و پرونده‌سازی فعالان صنفی قویا تاکید می‌کند این مانورهای پوشالی نمی‌تواند بر اراده ما معلمان تاثیر منفی بگذارد و ما متحد و یکصدا "تا آخر ایستاده‌ایم" و از "تهدید و زندان هراسی نداریم".

از نظر ما یگانه راه خروج از شرایط فعلی، تن دادن به مطالبات بر حق معلمان است. ما خواستار آزادی تمام معلمان بازداشتی بدون پیش شرط هستیم. محمدرضا رمضان زاده، حسین رمضانیپور، علی فروتن، علی کروشانی، پیروز نامی، محمدعلی زحمتکش، امید شاه محمدی و... باید فوراً آزاد شوند.

همانطور که در گزارش های روزهای تحصن انعکاس یافت شورای هماهنگی کوشید با ارایه عکس و خبر در جریان تحصن تصویری واقعی از تحصن و مطالبات ارایه نماید اما با توجه به تلاش حراست ها و برخی مدیران مدرسه برای سرکوب تحصن، متأسفانه گزارش ما از تحصن کامل نبود و عکس های تعداد زیادی از مدارس در کانال شورا منعکس نشده است در برخی مدارس متحصنین عکس نگرفته اند و در برخی موارد عکس برای کانال شورا ارسال نشده است. پس آمار واقعی شرکت کنندگان در تحصن خیلی بیشتر از آنی است که اعلام شد بعنوان نمونه در تهران چندین مدرسه بعد از تحصن عکس هایی برای شورا ارسال نمودند و بررسی میدانی ما نشان می دهد که تحصن در تهران، سنندج، قروه، همدان، زنجان و... بیشتر از چیزی است که اعلام شده است.

این همه استقبال از تحصن در حالی رخ می دهد که دستگاه سرکوب تمام توان و نیروی خود اعم از نهادهای امنیتی، حراست ها، برخی مدیران و معاونان و معلمان مطیع و ناآگاه را در خدمت گرفت تا تحصن سراسری و فراگیر نگردد اما پیام تحصن چنان رسا بود که حمایت های اجتماعی را در پی داشت و مطالبات معلمان بعنوان مطالبات اکثریت جامعه در کوی و میدان بر سر زبان ها افتاد و در پیام های همبستگی کارگران و دانشجویان منعکس گردید. ما این موفقیت را حاصل حرکت متحد و آگاهانه بدنه پیشرو جنبش معلمان می دانیم و از تمام حمایت های مردمی تشکر می کنیم و به همکاران خودد سراسر ایران فراخوان می دهیم با عضویت در تشکل موجود در منطقه خود و با ایجاد تشکل صنفی در مناطقی که تشکل فعال وجود ندارد دست به سازمان یابی بزنند.

در همین راستا می توان از ظرفیت شورای معلمان/ دبیران در مدارس سراسر کشور در کلیه مقاطع برای متشکل شدن استفاده نمود و این می تواند اولین گام برای اداره مدرسه و پیگیری مطالبات از طریق جمعی و شورایی باشد. هر واحد آموزشگاه بایستی یک واحد صنفی و آموزشی باشد و هر معلم



باید رسانه آگاهی بخش باشد. این مهم امکان پذیر است و معلمان قادرند در مسیر تحقق آموزش و پرورشِ پویا، مشارکتی و دموکراتیک گام های مثبت بردارند.

مساله دیگر نحوه واکنش مسئولان به تحصن بود اگر چه وزیر و تیم همراهش و سایر نهادها در قبال تحصن مهر خود را به ندیدن و نشنیدن زدند اما صدای معلمان در تحصن آبان، وزیر را وادار به واکنش نمود اما وی به جای پاسخ به مطالبات بانعل و ارونه زدن "تحصن را اجحاف در حق دانش آموزان دانست"

اگر چه این نوع لفاظی ها از وزیر و رسانه های همسو با وی در راستای حفظ وضعیت موجود چیز جدیدی نیست اما واقعیت این است که مردم دیگر آگاه شده اند و فریب این حرف های عوام فریبانه را نمی خورند.

امروز به درستی دانش آموزان و والدینشان به خوبی می دانند که کلاس های ۴۰ نفره بدون امکانات حداقلی، پول گرفتن از دانش آموزان، پایین بودن کیفیت آموزشی، فقدان فضای شاد در مدارس، وجود قوانین خشک در مورد پوشش دانش آموزان بخصوص دختران، مدارس ناایمن و در حال ریزش و دستگیری معلمان و ... مصداق بارز اجحاف در حق دانش آموزان و سرکوب آنان است که این همه محصول سیاست ها و برنامه هایی است که توسط وزارتخانه و نهادهای مدعی فرهنگی تئوریزه و اجرا می کردند و یگانه فرصت کودکی، دانش آموزان را به تاراج می برند .

از نظر ما مسئولان در پس چنین اظهارنظرهای بی شرمانه می کوشند با فرافکنی، انگشت اتهام خود را به سمت معلمان معترض و آگاه نشانه روند و نقش خود در وضعیت بحرانی فعلی را پنهان نمایند.

شورای هماهنگی ضمن اعتراض به انفعال وزیر در قبال مطالبات و اتخاذ مواضع خصمانه علیه معلمان به وی و سایر نهادها و مدیران مسئول توصیه

می کند از فرافکنی و پنهان نمودن ناکارآمدی خود پشت حقوق دانش آموز دست برداشته تن به خواسته های بر حق صنفی و آموزشی بدهند. مجریان پولی سازی و کالایی سازی آموزش عمومی، چگونه می توانند فرهنگیان مدافع حق تحصیل رایگان، کیفی و عادلانه برای همه را به اجحاف در حق دانش آموزان متهم نمایند؟ چه کسی این دروغ را باور می کند؟

بی شک کار به دستان و مسئولان اگر می خواهند اعتراضات در مقطع کنونی متوقف گردد باید تمام معلمان دربند را آزاد کنند و آموزش و پرورش فوراً طرح ضد معلمی معلم تمام وقت را متوقف نماید و سهم آموزش و پرورش از بودجه به میزانی افزایش یابد که:

۱- برای افزایش حقوق معلمان به بالای خط فقر، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری و همسان سازی حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل، اعتبار لازم پیش بینی و منابع شفاف آن مشخص گردد.

۲- تامین اعتبار لازم برای بهبود و بهسازی وضعیت آموزشی و برخوردای همه از یک آموزش با کیفیت، رایگان و عادلانه محقق گردد.

مسئولان نباید فراموش کنند که تاکنون ما به والدین دانش آموزان جهت همیاری و کمک به پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی بخصوص در این روزها، که بودجه در حال تدوین است فراخوان نداده ایم و اگر بنا باشد هر خواسته ما با ضرب و شتم و احضار و زندان همراه باشد. شورای هماهنگی چاره ای ندارد جز اینکه از مردم بخواهد آنان پیگیر حقوق آموزشی کودکان خود باشند.

**شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران**

## شکست "مجمع عمومی" فرمایشی در پروژه امنیتی سندیکا سازی دولتی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

جدیدترین پروژه ضد کارگری دولت جمهوری اسلامی ایران توسط نهادهای امنیتی و وزارت کار و همکاری مدیریت شرکت واحد، حراست و شورای اسلامی کار، علیه کارگران و سندیکای کارگران شرکت واحد در جریان است. این پروژه سندیکا سازی دولتی، با وجود تمام هیاهو و امکاناتی که در اختیار عاملین پروژه گذاشته شده است با آگاهی کارگران و سندیکای کارگران شرکت واحد و حمایت جنبش مستقل کارگری ایران در فاز اجرای برگزاری مجمع عمومی قلابی و فرمایشی با شکست مفتضحانه مواجه شد. این پروژه سندیکاسازی دولتی از تابستان امسال با عاملیت سعید ترابیان و حسن میرزایی از اعضای سابق و منفک شده از سندیکای کارگران شرکت واحد که به طور مستند با نیروهای امنیتی، مدیریت و شورای اسلامی کار همکاری کرده اند پیش برده شده است.

عوامل این پروژه امنیتی، با جعل نام و سو استفاده از آرم سندیکا و نشر چند مطلب، کارگران شرکت واحد را به شرکت در یک به اصطلاح "مجمع عمومی" در تاریخ ۲۲ آبان ماه دعوت کردند. آنها آزادانه و با پشتیبانی نیروهای امنیتی، حراست و شورای اسلامی کار و بدون هیچگونه ممانعتی در خطوط شرکت واحد برای فریب کارگران و جذب نیرو به آب و آتش زدند. در روز برگزاری این مجمع جعلی، مدیریت شرکت واحد - کارفرما- ورودی درب بوستان واحد (مجمع پذیرایی و رفاهی) را در اختیار آنان قرار داده بود و از انتظامات رسمی شرکت واحد که توسط حراست شرکت واحد هماهنگ شده بود به محل آورده بودند. علاوه بر این شرکت واحد برای انتقال افراد به محل، اتوبوس تدارک دیده بود و همه امکانات لازم را در اختیار عاملین این صحنه آرایی قرار داده بودند. همچنین تعدادی از اعضا و سران شناخته شده شورای اسلامی کار نیز برای انجام این تجمع دولتی-امنیتی به محل مجمع فرمایشی آمدند. پرواضح است نه تنها بیمی بابت یورش نیروهای امنیتی-انتظامی به این تجمع جود نداشت بلکه دولت و عوامل امنیتی و حراست و شورای اسلامی کار، امنیت حضور در این معرکه را تامین کرده بودند و پلیس امنیت نیز در محل مستقر شده بود. با وجود تمامی این امکانات و تقلاها، کارگران آگاه شرکت واحد در این نمایش مضحک و مجمع جعلی، فرمایشی و ضد کارگری شرکت نکردند و ننگ دیگری را برای کلیه آمرین، عاملین و حامیان این پروژه دولتی-امنیتی رقم زدند.

با احتساب تعداد تمام سازمان دهندگان و عاملین این معرکه و نیز با احتساب تعداد تمام کاندیداها، تنها جمعیتی حدود ۴۵ نفر که آنهم عمدتاً اعضای شورای اسلامی کار و نیروهای بسیج و حراست که با اتوبوس آورده شده بودند، در این "مجمع عمومی" جعلی شرکت کردند. حضور نگهبانان شرکت واحد به عنوان محافظ و نیز شرکت فعال و رای دادن چندین تن از مسئولین و روسای شناخته شده شورای اسلامی کار در مجمع و انتخابات تقلبی که عکسهای آنها در تلگرام سندیکای واحد موجود است تایید دیگری است بر هماهنگ بودن کامل این پروژه با شورای اسلامی کار، و حراست و مدیریت شرکت واحد. عوامل این پروژه امنیتی پس از اینکه مجمع امنیتی-دولتی شان از سوی کارگران شرکت واحد بایکوت شد، اعلام کردند که کارگران به دلیل سردی هوا در این مجمع امنیتی شرکت نکرده اند! سپس عاملین این معرکه و پروژه دولتی با همراهی و حمایت آشکار حراست و مدیریت شرکت واحد و شورای اسلامی کار بطور آزادانه و بدون هیچ محدودیتی برای گرفتن چند برگه رای در پایانه های شرکت واحد تا ساعتها جولان دادند اما کارگران در هر جا که اینان رفتند، آنها را طرد کردند و در رای گیری آنان مشارکت نکردند.

در زمان اجرای نمایش مضحک "مجمع عمومی" مشخص شد که برخی از افرادی را که بعنوان کاندیدای "هیات مدیره و "بازرسی" معرفی کرده بودند اصلاً برای کاندیداتوری درخواست نکرده بودند و این افراد با انتشار پیام هایی هرگونه همکاری و مشارکت در این پروژه امنیتی را تکذیب کردند؛ همچنین روشن شد که در میان لیست کاندیداها این سندیکاسازی دولتی، اعضا شورای اسلامی کار هم وجود داشته اند. با وجود اینکه حتی با احتساب روسای شورای اسلامی کار که در این معرکه گیری دولتی شرکت کرده بودند تعداد کل مشارکت کنندگان در این پروژه ی شکست خورده در حدود ۴۵ نفر بود، فردای آن روز و پس از ساعت ها نقشه کشیدن برای اینکه بدانند چگونه دروغی را پس از این شکست مفتضحانه باید منتشر کنند، با کمال وقاحت و بی شرمی و در یک دروغگویی آشکار که مورد استهزا و همزمان نفرت کارگران قرار گرفت اعلام کردند که بیش از ۶۰۰ کارگر در رای گیری مشارکت کرده است!

عوامل این پروژه امنیتی، این تجمع شکست خورده و رای گیری متقلبانه را هرچه بنامند، در هر صورت این معرکه گیری دولتی، اقدامی علیه کارگران شرکت واحد، علیه سندیکای مبارز و مستقل کارگران شرکت واحد و یک توهین آشکار و یک تلاش شکست خورده در خیانت کامل به ۱۵ سال مبارزه خستگی ناپذیر اعضای این سندیکا برای ایجاد یک تشکل

واقعی و مستقل کارگری و توهینی به جنبش مستقل کارگری ایران محسوب می‌گردد. اگر چه این اولین پروژه دولتی-امنیتی علیه کارگران در ایران و دیگر کشورها نیست و نخواهد بود، و اگرچه در اثر آگاهی کارگران، برگزاری این مجمع قلابی و امنیتی و دولتی با شکست مواجه شد، اما در تاریخ جنبش مستقل کارگری ایران به عنوان یکی از ننگین ترین و بی‌شرمانه ترین توطئه های حکومتی علیه کارگران ایران در دوران اخیر ثبت خواهد شد و کل این پروژه امنیتی توسط کارگران در نهایت به زیاله دادن تاریخ خواهد پیوست.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن دروذهای گرم به اعضای سندیکا و کلیه کارگران شرکت واحد و تمامی کارگران و تشکلات کارگری که در افشای این پروژه دولتی-امنیتی کوشا بوده اند، همچون گذشته و با وجود کلیه موانع دولتی-امنیتی و سرکوب و کنترل دائمی حکومتی و توطئه های عوامل شورای اسلامی و خانه کارگر، به مبارزه بر حق خود تا پیروزی های هر چه بیشتر ادامه خواهد داد. ما در این راه پر فراز و نشیب، دست کلیه کارگران و تشکلات واقعی و مستقل کارگری در سراسر ایران و جهان را می‌فشاریم و به نوبه خود تلاش خواهیم کرد که جنبش کارگری ایران با اتحاد و همبستگی هر چه مستحکم تر مانع از توطئه های گوناگون، که قصد تضعیف و نابودی جنبش مستقل کارگری ایران و به بیراه بردن آن از طریق سرکوب مستقیم و نیز نفوذ، تشکل سازی دولتی و انشفاق در صفوف کارگران را دارند، گردد.

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۶ آبان ۱۳۹۷

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعتقاد دارد:

برنامه های ضد سرمایه داری باید اساس اقدامات ما باشد. باید علت و عواقب دستورات صندوق بین المللی پول را برای کارگران روشن کنیم و همبستگی بین المللی کارگران را تقویت و تا آنجا که امکان دارد بر سر راه اجرای برنامه های نئولیبرالیسم و سرمایه داری جهانی با پیشنهادهای کارگری و به نفع کارگران، موانع ایجاد کنیم.



## حمایت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از سندیکای شرکت واحد و محکوم کردن توطئه ضد کارگری.

کارگران ، تشکل های کارگری و فعالین کارگری

همانطور که اطلاع دارید مدتی است که عواملی برای انجام سیاست های ضد کارگری و تخریب سندیکای شرکت واحد و هفت تپه اقداماتی را شروع کرده اند. سیاست های ضد کارگری این افراد در هفت تپه با شکست مواجه شده اما افرادی در شرکت واحد طی ماه های گذشته با برنامه از پیش تعیین شده فعالیت هایی را تاکنون انجام داده اند.

افرادی همچون سعید ترابیان ، حسن میرزایی و عباس بخشش ، بر اساس شواهد منتشر شده توسط سندیکای شرکت واحد، با همکاری حراست، شورای اسلامی و مدیریت شرکت واحد، اقدام به برگزاری مجمع عمومی را داشته !! و در این ارتباط فراخوانی را انتشار داده اند . این افراد برای تخریب تشکل مستقل کارگران شرکت واحد و همچنین بد نام کردن فعالین کنونی این سندیکا از هیچ اقدامی فرو گذار نبوده اند که توهین ، تهمت و پرونده سازی برای کارگران سندیکای واحد، بخشی از این پروژه بوده است .

این پروژه تحت عنوان برگزاری مجمع عمومی و انتخابات، تخریب تشکل مستقل - مستقل از کارفرما- سندیکای شرکت واحد و ایجاد تشکل دست ساز را مد نظر دارد . تشکل مورد نظر در نهایت برای مهار اعتراضات کارگران - بخصوص در شرایط کنونی - و ممانعت با کارفرما و سرمایه داران سازماندهی می شود. بر این اساس سندیکای نیشکر هفت تپه، این توطئه ضد کارگری را محکوم کرده و بر اساس وظیفه طبقاتی ، همچنان خود را در کنار سندیکای شرکت واحد می دانیم.

باور داریم این توطئه، با اتحاد و همدلی کارگران و فعالین راستین جنبش کارگری منجر به شکست خواهد شد؛ همانطور که فعالین جنبش کارگری در مقاطع گذشته در ارتباط با ایجاد تشکل های مستقل کارگری، استقلال مالی طبقه کارگر و دیگر موارد با پیروزی مسیر مبارزه را تا به امروز پیموده اند.

### زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

سندیکای نیشکر هفت تپه ۱۵ آبان ۹۷

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن

۱- با توجه به گزارشات مکرر کارگران به پیام سندیکا در مورد وضعیت نامناسب رختکن مدیریت فولادسازی و اعتراضات کارگران این بخش، مدیریت با کاشی کاری دیوارها و کف و ساخت ۱۲ حمام و سالن خشک کن و ۳۰۰ کمده راه اندازی شد و ۳۰ گلدان و نصب آب نمایی زیبا در آن به درخواست کارگران پاسخ داد.

۲- کارگران مدیریت فولادسازی همچنین خواستار بازسازی اساسی تجهیزات ریخته گری هستند تا هزینه نگهداری و تعمیرات به حداقل برسد تا با کمترین توقف بخش ریخته گری فعال باشد و موجب توقف تولید نشود.

۳- اگر قانون بازنشستگی که در مجلس مصوب شده است در ذوب آهن و شرکت های وابسته اش اجرایی شود ۳ هزار کارگر جوان می توانند در ذوب آهن مشغول به کار شده و بخشی از بیکاری در شهرهای اصفهان و توابع رفع گردد



- ۴- وام مسکن کارکنان قرارداد موقت دیر پرداخت شده و برای این کارگران در دسر ایجاد می شود لطفن مدیریت بررسی کند.
- ۵- کارگران روزکار کارگاههای ۴۶ و ۴۸ خواستار فراهم شدن شرایط حضور در دوره های آموزشی را هستند.
- ۶- سقف وام ازدواج با توجه به گرانی های اخیر بسیار پایین است و باید مدیریت سریع آن را حداقل ۳ برابر افزایش دهد.
- ۷- تعداد کارگران مسیر بروجن به شهرکرد افزایش یافته و سرویس مربوطه باید با اتوبوس تعویض شود.
- ۸- نحوه محاسبه سنوات زنان کارگر شاغل در ذوب آهن که مشمول صندوق بازنشستگی فولاد هستند باید تجدید نظر جدی شده و افزایش یابد.
- ۹- با توجه به افزایش بی سابقه تورم آیا نباید تسهیلات غیر نقدی به کارگران هم مطابق تورم افزایش پیدا کند.
- ۱۰- رستوران مدیریت الگومراسیون فرسوده و بسیار نامناسب است. چرا این رستوران بازسازی نمی گردد؟
- ۱۱- کارکنان در خواست راه اندازی سامانه رزرواسیون غذا را دارند تا این همه متحمل مشکل نشوند.
- ۱۲- پذیرایی از شیفیت شب همچنان اشکال دارد و معلوم نیست کی مدیریت به امر خواهد پرداخت.
- ۱۳- مخازن خریداری شده برای قسمت های مختلف متاسفانه راه اندازی و نصب نگردیده و رها شده اند. این مخازن می توانند ذخیره سازی آب را ممکن نموده و از بحران بی آبی جلوگیری کنند.

۱۴- ایمنی قسمت ها باید مورد بازرسی دوره ای مرتب افسران ایمنی قرار گیرد تا اتفاق ناگواری پیش نیاید. البته دوره های آموزشی ایمنی مرتبط هر قسمت باید بطور جد در دستور کار باشد.

۱۵- از سال گذشته پیشنهادات راجع به ریل ملی از سوی کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به مدیریت ذوب آهن در نشریه پیام سندیکا ارایه گردید که در آن از مدیریت ذوب آهن و روسای متروهای شهری چون اصفهان، قم، کرج، مشهد، تهران خواسته شده بود که ریل مورد نیاز خود را به جای خرید از کشورهای خارجی و به دست دلالان مافیای مالی از ذوب آهن اصفهان تهیه کنند که این مورد در اصفهان و راه آهن سراسری اجرایی شد. در ۲۴ مهر امسال مسولین قطار شهری قم هم پس از بازدید از کارخانه اعلام کردند ریل مورد نیاز را از ذوب آهن خواهند خرید.

### **خبرنگار پیام سندیکا از اخبار موفقیت آمیز کارخانه ذوب آهن می گوید!**

- ۱- با پیگیری مدیریت شرکت تعاونی مصرف از این پس اعضای شرکت تعاونی می توانند ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان وام از بانک مهر اقتصاد دریافت کنند.
- ۲- با توجه به درخواست مکرر کارگران ذوب آهنی جهت تعمیر و نگهداری سازماندهی شده در همه بخش های کارخانه و بازتاب آن در نشریه پیام سندیکا، میزگردی تخصصی در مدیریت آموزش و توسعه منابع انسانی برگزار شد. امید که دیگر شاهد از کار افتادن دستگاهها و رکود در خط تولید نباشیم.
- ۳- خانم محمودی مربیگری تیم فوتبال بانوان ذوب آهن را با قراردادی یکساله به عهده گرفت.

ما ضمن تبریک به این مربی سخت کوش امیدواریم نتایج خوبی برای باشگاه ذوب آهن رقم بخورد.

## گزارشهایی از اعتصاب در نیشکر هفت تپه



صبح امروز ۲۲ آبان ماه بیش از هزار کارگر نیشکر هفت تپه طبق اعلام قبلی جلوی فرمانداری شهرستان شوش با در دست داشتن بنر و پهن کردن سفره خالی و دادن شعارهای صنفی دست به اعتصاب زدند. کارگران از اول تیرماه تاکنون حقوق دریافت نکرده اند. این کارگران خواهان خلع ید شرکت از مالکین بخش خصوصی و بازگشت شرکت به دولت هستند. آخرین نمایندگان سازمان خصوصی سازی پس از مراجعه به شرکت اعلام کردند که به هیچوجه شرکت به دولت بر نمی گردد و ملاک کارآمدی یا ناکارآمدی مالکین بخش خصوصی فقط سازمان خصوصی سازی هستند.

این کارگران خواهان پرداخت حقوق معوق، قراردادی کردن کارگران روزمزد، بازنگری در طرح مشاغل بندی و تعیین تکلیف ۲۷۰ نفر کارگری هستند که منتظر پرداخت ۴ درصد بیمه جهت بازنشستگی از طریق طرح سخت و زیان آور هستند. اکثر اعضای هیات مدیره و سهامداران شرکت بدلیل موضوع ارزش دولتی در بازداشت هستند و شرکت نیشکر هفت تپه دچار خلا مدیریتی است و کسی پاسخگوی کارگران این شرکت نیست و هنوز قطعات مورد نیاز جهت تکمیل اورهال کارخانه و شروع بهره برداری فراهم نشده است.

## گزارش تکمیلی از اعتصابات نیشکر هفت تپه

امروز چهارشنبه ۲۳ آبان نیز کارگران شرکت با تعدادی از خانواده‌های خود در برابر فرمانداری شهرستان شوش تجمع کردند و مجدداً با دادن شعار و در دست داشتن بنر خواهان تعیین تکلیف خود شدند. شب گذشته جلسه شورای تامین شوش و استان به همراه نماینده کارفرما مهندس مددی برگزار گردید که از نتیجه آن جلسه اطلاعی در دست نیست گویا هیچ پیشنهاد یا راهکار عملیاتی برای کارگران نداشتند. تجمع امروز علیرغم حضور نیروی انتظامی مسالمت آمیز برگزار شد.

## گزارشی تکمیلی از هفت تپه

امروز صبح پنجشنبه ۲۴ آبان در ادامه اعتصابات چند روز اخیر کارگران نیشکر هفت تپه کارگران در شوش، از جلوی فرمانداری به سطح شهر رفته و با شعار دادن از بازاریان و شهروندان درخواست حمایت داشتند. بنابر اطلاعات میدانی کارگران قرار گذاشتند روز جمعه در نماز جمعه شوش شرکت کرده و اعتراض خود را به گوش امام جمعه شوش برسانند.

در چند روز اخیر کسی پاسخگوی خواسته‌های کارگران نبوده است

## فریدون نیکوفرد دبیر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

## مطالبات کارگری در مجتمع مس سرچشمه

بر اساس گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، کارگران شرکت های پیمانکاری اقماری این مجتمع در موارد ذیل مورد اجحاف کارفرمایان اصلی قرار گرفته و حقوق های عقب افتاده قابل توجهی برای کارگران باقی گذاشته اند:

**مشارکت سبافام:** پیمانکار کوره ی فلش که در حال بهره برداری ست؛ پس از تعدیل نیروی سال گذشته، تاکنون نسبت به پرداخت تسویه حساب نفقات مرخص شده اقدام ننموده و بیش از ۱۰۰ کارگر از نامبردگان کماکان وجهی دریافت نکرده اند، بعلاوه این که حقوق ماه پایانی این نفقات نیز پرداخت نشده است؛ پیمانکار سبافام از خردادماه نیز حقوق پرسنل مشغول به کار خود را پرداخت ننموده است.

**شرکت سنا:** پیمانکار اخیر، ۸ نفر نیرو تعدیل نموده و بدون پرداخت مطالبه، کارگران را اخراج کرده است- پس از گذشت قریب به دو ماه از تسویه ی این کارگران، هیچ وعده ای نیز در ارتباط با پرداخت به ایشان داده نمی شود؛ شرکت مذکور از شهریور ماه نیز حقوق پرسنل مشغول به کار خود را پرداخت نکرده است.

**شرکت رامپکو:** این شرکت با وجود شروع به کار در مجتمع مس سرچشمه و دریافت مبالغ پیش پرداخت، از شهریور ماه اقدام به پرداخت حقوق پرسنل نمی نماید.

**مشاور کاوشگران:** شرکت مشاور توسعه ی ذوب، از تیرماه سال جاری حقوق پرسنل خود را پرداخت ننموده، این در حالی ست که کارفرمای مس سرچشمه تاکنون صورت وضعیتِ مرداد ماه شرکت مذکور را نیز پرداخت نکرده است؛ بدیهی ست کارفرمای اصلی می بایست نسبت به این مهم، اقدام فوری را مبذول دارد.

**شرکت نیپک:** این شرکت مدیدی ست که از شرکت های اقماری مجتمع مس سرچشمه محسوب می شود؛ شرکت نیپک با وجودِ تاخیراتِ کمتر در پرداخت حقوق کارگران و کارکنان، از اردیبهشت ماه سال جاری با وجود ساعاتِ کاری طویل‌المدتِ پروژه ها، هیچ نوع اضافه کار و افزوده ای به حقوق پایه پرداخت نمی نماید و علی الظاهر این روش، شیگردی ست برای کمتر به چشم آمدنِ تاخیرات پرداختِ کارفرمایان.

## **گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پتروشیمی دماوند**

در پتروشیمی دماوند شرکت عمران ساحل از تیرماه تاکنون به بیش از ۱۵۰ کارگر خود حقوق پرداخت نکرده است. این کارگران که در فیلرپیش پتروشیمی پارس فنل کار می کنند به خبرنگار ما گفتند که وضعیت غذا افتضاح است و سرویس ها هم کولر ندارند.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه

شرکت بیستون که در فاز ۲۱-۲۰ مشغول به کار است حقوق کارگرانش را نه تنها به موقع نمی دهد بلکه هر ماهه مبلغی مابین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان از دستمزد کارگران کسر می کند. این شرکت قبلن هم فاز ۱۹ بوده است. از مرداد ماه به این سو هر ماهه بخشی از کارگرانش را بیکار می کند.

این شرکت بدحساب در اهواز آزادگان هنوز حقوق خرداد کارگران را تسویه نکرده است و با جمع کردن کارگاه در این فاز کارگران را سردرگم رها کرده است. شرکت بیستون بیمه کارگران را هم با اینکه از دستمزدها کم کرده ولی به تامین اجتماعی نپرداخته است

از گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران درخواست رسوایی و تحریم کارگری این شرکت را داریم.

### حسین کارگر پروژه ای

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه ایران مال

در این شرکت بخشی از کارگران را بیمه نمی کنند و با آمدن مامور وزارت کار ایشان به دفتر برده شده بدون بازدید از پروژه راهی بیرون از شرکت می شود. همچنین شرکتی به اسم مقاوم بتون حدود چهار پنج ساله در این پروژه مشغول به کار است و تازه امسال نصف و نیمه کارگرانش را بیمه کرده است. تمام کارگرانش هم از ترس بیکاری و نیاز اعتراض نمی کنند و دلشان به حقوق ماه به ماه خوش است. در اینجا کارگر فنی و برقکار صنعتی روزی پنجاه هزار تومان حقوق می گیرد. هر کسی هم که اعتراض کند مستقیم می بردنش دم گیت نگهبانی و اخراج.

**کارگر پروژه ای عماد**

## گزارشی از کارخانه چلیک صنعت کاوه در ساوه

در این ایامی که اغلب شرکتهای تولیدی و کارفرماها با مشکلات عدیده ای اعم از نبود مواد اولیه و یا قیمت بالای مواد اولیه و محصولات و عدم ثبات بازار دست و پنجه نرم می کنند ، که بالطبع این مسائل باعث کمبود مشتری و فروش می شود و در نتیجه مستقیماً قشر ضعیف جامعه من جمله کارگرها را دچار مشکل می کند.

اما در این گزارش نمی خواهیم بر ضد شخصی یا کارفرمایی یا شرکتی صحبت کنیم بلکه در پی اقدامات کارفرمایی برآمده ایم که در این اوضاع نابسامان تمامی پرسنل خود را راضی و خشنود در کنار خود می بیند .

### معرفی شرکت چلیک صنعت کاوه

شرکت چلیک صنعت کاوه واقع در شهر صنعتی کاوه در شهرستان ساوه – استان مرکزی در سال ۱۳۷۵ با مدیریت عاملی جناب آقای علی اصغر نجفی و مدیریت کارخانه جناب آقای محمد یوسفی تحت مالکیت جناب آقای عبدالصاحب مرعشی تاسیس شد.

این شرکت در زمینه تولید انواع بشکه ۲۲۰ لیتری فلزی فعالیت می نماید و پرسنل شاغل در این شرکت اعم از اداری و تولیدی ۳۰ نفر می باشند.

نکته حائز اهمیت و قابل توجه که مورد بحث ما می باشد رضایت تمامی کارگران از کار در این کارخانه می باشد که مدیران سعی خود را در این سالیان کرده اند تا کارگری ناراضی و دلگیر از ایشان نباشد.

برای مثال می توان به نداشتن حقوق معوقه که کمترین حق کارگر است و غذای روزانه کارگران اشاره کرد که جناب آقای مرعشی و مدیران بر این نکته پافشاری دارند که “کارگر ممکن است در منزل نتواند غذای مناسبی بخورد به همین دلیل باید در شرکت وعده غذای خوب و مناسبی میل نماید.”



## جهت اطلاع شما عزیزان به موارد دیگری نیز اشاره می‌کنیم:

۱- بسته غذایی خانوار که هر فصل به پرسنل داده می‌شود ۲- عیدی و پاداش که در مناسبت های مختلف من جمله اعیاد مذهبی و سنتی مانند عید غدیر و ماه مبارک رمضان و روز کارگر و شب یلدا و ... ۳- پرداخت کمک هزینه تحصیلی و خرید لوازم التحریر به پدرانی که فرزند محصل دارند

۴- علاوه بر پرداخت عیدی و حق سنوات در پایان سال پاداش آخر سال نیز پرداخت می‌شود ۵- پرداخت وام سالیانه به پرسنل

۶- کمک هزینه درمانی برای پرسنلی که دچار بیماری با هزینه بالا که منجر به مرخصی طولانی مدت می‌شود ۷- پرداخت چشم روشنی تولد نوزاد

۸- قربانی کردن دام و تقسیم گوشت آن میان کارکنان

موارد فوق گوشه ای از اموری است که باعث رضایت کارگران از کار در این شرکت شده است.

در آخر مناسب میبینم وسیله از زحمات صاحب کارخانه و مدیران حرفه ای این کارخانه به پاس تمامی زحماتی که در این چندین سال برای سرپا بودن شرکت و رضایت کارگران انجام داده اند تشکر و قدردانی به عمل آوریم.

امید است در جامعه کارگری شاهد بستری باشیم که کارفرمایان همان گونه که به سود خود می‌اندیشند این چنین قوانین را نیز در قبال کارگران خود رعایت کنند.

با تشکر فراوان

**احسان نجف آبادی**

**عضو کوچکی از خانواده چلیک صنعت کاوه**

## اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



عکس نشست سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در روز جمعه ۲۵ آبان

### پیش بسوی مجمع عمومی

۱- موضوع نشست: پیگیری راهکارها برای برگزاری مجمع عمومی مستقل

در نشست امروز کارگران آمادگی خود را برای برگزاری دومین مجمع عمومی مستقل سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بار دیگر اعلام کردند و با همبستگی قدم به قدم بسوی مجمع عمومی حرکت

خواهیم کرد. همچنین کارگران انزجار خود را از توطئه سندیکاسازی دولتی در شرکت واحد اتوبوسرانی اعلام کردند.

**۲- اظهارات نماینده شورای شهر در جلسه شورا در مورد پرداخت چهارصد حق بیمه کارگران شرکت واحد که واجد شرایط بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور هستند**

پس از اعتراضات فراوان کارگران واجد شرایط بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور نسبت به عدم پرداخت چهار درصد حق بیمه توسط مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی، که در نتیجه آن بازنشستگی این کارگران معلق شده است. امروز افشین حبیب زاده در جلسه علنی شورا از شهردار درخواست کرد تا حق بیمه این کارگران پرداخت گردد.

سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تا امروز نقش مهمی ایی در رساندن صدای این کارگران به گوش مسئولین داشته است و از کارگران می خواهد تا زمان عدم تحقق پرداخت حق بیمه مذکور و عدم تضمین پرداخت آن برای کارگرانیکه به مرور واجد شرایط بازنشستگی می شوند؛ اعتراضات را به هر شیوه ممکن ادامه دهند.

**۳- یادداشت رسیده از راننده خط یک بی آر تی**

با سلام به اعضای سندیکا

دوستان و همکاران گرامی از زمانیکه شورای اسلامی کار در سامانه یک تشکیل شد به یوم پاقدمی شورا تمام مطالبات خود را یکی پس از دیگری

داریم از دست میدیم زمانیکه شورا نداشتیم همه چیزمون را سر وقت دریافت می کردیم از شیرو کیک بگیرد تا بن لوازم التحریر و غیره ولی الان دو ماه که از اول مهر میگذرد هنوز از بن ها خبری نیست من نمی دونم این آقایون تا کی می خواهند به شعور کارگر توهین کنند و با احساسات کارگر بازی کنند وقتی که می خواستند نماینده شوند هزار و یک رقم شعار می دادند و از حق و حقوق کارگر صحبت می کردند همینکه خرشان از پل گذشت دیگه همه چیزو فراموش کردند اصلن بزایید راحتتر صحبت کنم بود و نبود شورا هیچ فرقی به حال کارگر یا راننده ندارد به نظر من نبودنش بهتر از بودنش است حداقل زمانیکه نبود خودمان در جهت مطالبات قدم برمی داشتیم و موفق هم می شدیم ولی الان به امید شورا تمام حق و حقوق خودمان را داریم از دست میدیم من از این کانال کارگری و مردمی به شورا و مسولین هشدار میدم که حق و حقوق کارگر را به موقع پرداخت کنید اگر نه با خشم سنگین کارگر مواجه خواهید شد کافیه که یک روز فقط یک روز رانندها ی خط یک در پایانه آزادی و شرق دستی را بکشند و از سوار کردن مسافر خودداری کنند اونوقت نتیجه ی کار خود را خواهید دید آیا اون موقع هم شورا و یا مسولین میتوانند در خط و ایستگاه ها حاضر شوند و جواب مسافر را بدهند قطعاً که نمی توانند و من به شما همکاران توصیه میکنم که باید خودمان دست به کار شویم و با حضور دسته جمعی در دفتر مدیر عامل آقای سنجی مشکلمان را عنوان کرده و از طریق ایشان پیگیری کنیم مطمئن باشید که همه چیز با اتحاد و همبستگی حاصل م ی شود و بدون اتحاد هیچی نیستیم و با اتحاد یک قدرت بزرگی را می توانیم درست کنیم که بی نظیر باشد ما باید اتحاد و همبستگی و احقاق حق را از کارگرهای گروه فولاد ملی و نیشکر هفت تپه یاد بگیریم.

در پایان می گویم اگر به فکر پرداختی ها نباشند قطعا این را بدانید که ما راننده ها جهت اعتراضات به مطالبات به دفتر آقای سنندجی مراجعه خواهیم کرد و سکوت نمی کنیم.

#### ۴- همراهی شوراهای فرمایشی با مدیریت برای جلوگیری از بازنشسته شدن به موقع رانندگان واحد

تعدادی از همکاران که در شرف بازنشستگی هستند و بعضا بیش از ۳۵ سال سابقه کار و بیمه پردازی دارند برای بازنشستگی پرونده هایشان در شعبات بیمه تامین اجتماعی مسکوت مانده است.

از آنجا که شغل رانندگان شرکت واحد جزء مشاغل سخت و زیان آور است و می توانند با بیست سال سابقه کار و بیمه پردازی بازنشسته شوند و کارفرما باید ۴ درصد حق بیمه رانندگان در کارهای سخت و زیان آور را در هنگام بازنشستگی به تامین اجتماعی پرداخت کند. اما با توجه به اینکه تعداد زیادی از همکاران در سال جاری به سن بازنشستگی رسیده اند و شرکت واحد هم سال هاست هیچگونه استخدام جدید ندارد و مدیریت شرکت واحد با مشکلات جدی در زمینه کمبود راننده دارد، باز هم از جیب کارگران هزینه می کنند و با هماهنگی شوراهای فرمایشی کار شرکت واحد پرونده این همکاران را در شعبات بیمه مسکوت گذاشته اند. تا برای مدیریت شرکت واحد وقت خریداری کنند و اوضاع نابسامان شرکت واحد را سامان بخشند.

سندیکای کارگران شرکت واحد هرگونه سواستفاده و بهره برداری از کارگران و رانندگان در شرف بازنشسته در شرکت واحد را محکوم می کند و خواستار رسیدگی فوری به مشکلات این کارگران می باشد.

## نبود ایمنی و کشتار کارگران



زنده یاد وحید سعیدی کارگر ۲۷ ساله شرکت جهادگران ریگ لردگان شامگاه روز شنبه ۱۹ آبان حین تعمیرات و گرفتگی نشتی لوله گاز بر اثر فشار ناگهانی گاز خروجی از نقطه‌ای که کارگران مشغول تعمیر آن بودند، دچار حادثه شد که متأسفانه ایشان چون در حوضچه قرار داشت، جان خود را از دست داد و دو کارگر دیگر نیز به اطراف پرتاب شدند که به مصدومیت آنها منجر شد.

ایشان اهل استان چهارمحال بختیاری شهرستان لردگان شهر مالخلیفه فلارد روستای ابواسحاق بود.

ما این اتفاق ناگوار را به خانواده اش تسلیت گفته و به کارگران اعلام می‌کنیم که به ایمنی که جزو دستمزد هر کارگری است اهمیتی دو چندان بدهند.

ایمنی در هر کارگاهی بخشی از دستمزد است که باید رعایت شود.

**تحریریه نشریه پیام سندیکا**

## با سلام به دوستان پروژه ای

دوستی می گوید قرار داد ندارم. شما در هر جا که کار کرده باشید اولاً باید قرارداد بنویسید هر چند که قراردادها هم برای آدم بد حساب اعتباری و معنی و مفهوم ندارد و آنقدر حقوقت را نگه می دارد که با تورمی که روزانه بالا می رود به درد فقط پول دادگاه و ایاب و ذهاب و مخارج وصول پولت بشود. در ضمن پول کارکرده را هیچ کس و هیچ قدرتی نمی تواند نادیده گرفته و بخورد مگر طلبکار بیخیال شود.

کارگر و استاد کار و فنی کار و خلاصه هر زحمتکشی در هر جایی یا مکانی که زحمت کشیده باشد آن مکان وجود دارد و برای اثبات حق و حقوق خود با بردن کارشناس و تاییدیه از کارفرما و یا پرینت و حضور و غایب توسط مدیران و مسولین ثابت می شود که فلان شخص کار کرده و اگر حقوق و پایه حقوق مشخص نیست و یا قرارداد ندارند طبق کارگر روزانه که باشد به قیمت دارد طبق کارگر قراردادی به قیمت دارد و میتوان با حقوق روزمزد های دیگر شرکتهای هم شغل و حرفه خودش مقایسه شود اگر در مقابل ۲۴ روز باشد طبق کارگران قراردادی ست و تمام قوانین شامل حالش میشود.

شرایط کار و سختی کار و قوانین حقوقی هم باید به آن اضافه شده و در ضمن اگر اضافه کاری کارفرما و یا پیمانکار از نیروی مورد نظر خواسته باشند باز طبق توافق باید اضافه کاری را بدهند. کارگران در شرایط سخت کار می کنند و از اذان صبح تا اذان شب تحت فشار جسمی و روحی هستند پس نباید از حقوق خود صرفه نظر کنند.

در ایران حقوق کارگر بر مبنای بخور نمیر تنظیم شده و اگر هر برادر کارگری که حسابش را اداره کار تعیین کند در واقع خیلی از زحماتش سوخته شده و بررسی نمی شود بطور مثال کارگری که در پروژه ویا در هر محل کاری آسیب جسمی زیادی در کار برایش پیش می آید و با درد و رنج کار می

کنند و تحمل کرده و بزبان نمی آورد. آیا مسولین دادگاه و یا اداره کار جسم شکنجه دیده اش را در زمان زحمت کشیدن را حس می کنند طبعاً خیر.

هنر و زحمات زحمتکشان و دست پنجه کارگران و صنعتگران از بین نمی رود و در هر زمان و هر مکان کارشناس به محل کار می رود و بررسی می شود و حقشان را خواهند گرفت

همه هوای همدیگر را داشته باشند

اگر کسی شاهد خواست و کسی شاهد زحمت کشیدن کسی بوده و حقش را می خواهند بخورند و برای اثبات حقش در محاکم اداری نیاز به شاهد باشد، بروید و برایش شهادت بدهید

دست به دست هم بدهیم و از سندیکای کارگران فلزکار هم بخواهیم ما را یاری کند. به امید موفقیت تمام زحمتکشان کشور

### کوچک شما سلحشوری

□ کارگاهی طبق عرف نهار می داده ولی می خواهد قطع کند، کارگران به چه صورت می توانند اعتراض کنند؟

پاسخ: چنانچه در کارگاهی از قبل رویه تهیه غذا را برای کارگران تهیه نموده و این رویه همچنان در سطح کارگاه استمرار یافته باشد رویه مورد عمل جزو عرف کارگاهی محسوب شده و بنابراین جزو شرایط کار کارگران زیربط بوده و تغییر آن از سوی کارفرما در حکم ماده ۲۶ قانون کار است و فاقد وجاهت قانونی می باشد.

در صورت قطع آن توسط کارفرما، کارگران زیربط می توانند با طرح دادخواست علیه کارفرما بخواسته برخورداری از عرف جاری کارگاه در مراجع حل اختلاف اقامه دعوی نمایند



## باید برای گرسنگی نیروی کار تدبیری بیاندیشند!



مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در مصاحبه با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با بیان اینکه هجوم کارگران بیکار برای گرفتن بیمه بیکاری باعث ورشکستگی تامین اجتماعی خواهد شد، می‌گوید: باید برای گرسنگی و بیکاری نیروی کار تدبیری اندیشید.

به گزارش خبرنگار ایلنا، وضعیت اقتصادی ناگوار به همراه تعطیلی موقت یا دائم واحدهای تولیدی و صنعتی، زندگی مزدبگیران کارگری را با دشواری‌های بسیار مواجه کرده‌است.

مازیار گیلانی‌نژاد (فعال صنفی کارگران فلزکار) در این رابطه می‌گوید: کارگران شاغل یا همان‌هایی که هنوز به خیل عظیم بیکاران نپیوسته‌اند نیز دارای مشکلات فراوان هستند که یکی از مهم‌ترین این مشکلات، «مطالبات مزدی معوقه» است.

او در ادامه می‌گوید: در حال حاضر صنعت، کشاورزی، دامپروری و باغداری با سیاست‌هایی که مشاوران اقتصادی دولت، به دستور صندوق

بین‌المللی پول اجرا کرده‌اند، دچار رکود بی‌سابقه شده‌است. گزارش‌های کارگری نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد کارگاه‌های شهرک‌های صنعتی یا کاملاً تعطیل شده‌اند یا ظرفیت تولید را به کمتر از نصف رسانده‌اند؛ در کشاورزی و دامپروری نیز وضع به همین منوال است. تجمعات مکرر کشاورزان اصفهانی از فرط بی‌آبی و بیکاری، دلیل این مدعاست.

این فعال کارگری با تاکید بر اینکه باید برای بیکاری و گرسنگی نیروی کار تدبیری بیاندیشند، اخطار می‌دهد: هجوم کارگران بیکار برای گرفتن بیمه بیکاری در شعب تامین اجتماعی بی‌سابقه است که همین مساله ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی را در پی خواهد داشت.

گیلانی‌نژاد ادامه می‌دهد: در این میان سوالی مطرح می‌شود اینکه؛ چگونه می‌خواهند گرسنگی و فقر را دعوت به صبر و ریاضت کنند؟

او با بیان اینکه «اعتراض» و «تشکل یابی» حق مسلم کارگران است و با اشاره به احکام صادره برای کارگران «هپکو» می‌گوید: کارگرانی که ماه‌ها حقوق نگرفته‌اند، چگونه می‌توانند به تولید ادامه دهند؛ چگونه امورات زندگی‌شان را بگذرانند؛ چگونه از این کارگران می‌خواهند که ساکت بمانند و دست‌مزدشان را که «حق بدیهی» آنهاست، مطالبه نکنند؟ یادمان نرود که شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که حتی اگر کارفرما هر ماه سر موقع دستمزدها را بپردازد، باز هم نمی‌توان معیشت خانوار را تامین کرد؛ پس وای به حال کارگرانی که ماه‌ها حقوق نگرفته‌اند.

## گزارشی از حضور نماینده سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در نشست تحلیلی حزب اراده ملت در همدان



چند پرسش در خصوص نقد دولت ، اصلاحات و احزابی با شعار سوسیال دموکراسی در ایران

مجید رعایایی عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و کنشگر کارگری

نقد دولت به مثابه تضعیف آن نیست و البته که باید دولت مورد نقد قرار بگیرد. اما نقد باید جدی و دقیق باشد، فقط در این صورت است که پیش برنده خواهد بود. شما در نقد دولت شروع به بیانیه سازی می‌کنید. بیانیه چه رخدادی ایجاد می‌کند؟ آیا صدور بیانیه در خصوص معیشت و بازداشت‌ها و محرومیت‌های ما کارگران و مزد بگیران و ... این قابلیت را دارد که موجب تغییر و اصلاح امری گردد؟ بدون تردید صدور بیانیه بدون اراده و جدیتی برای رفع یا کاهش معضلات، گرهی نمی‌گشاید.

ما کارگران معتقدیم اصلاح‌طلبان دچار خوش‌بینی غیرواقعی گرایانه هستند.

نگاه کنیم اصلاحات چرا در ایامی مطرح گردید و پس از آن ما گام به گام شاهد وقایع و رخداد‌های تهدید آمیز و فشارها و ناکامی‌های بیشتر بوده‌ایم؟ معیشت و اقتصاد ما به پروپاگاندایی برای به قدرت رسیدن بدل شد. نگاه کنید، کم‌صداترین و بی‌تریبون‌ترین مردم در کشور، کارگرانند. ما باید ابتدا به امر تاریخی، بصورت دیالکتیکی نگاه بیندازیم. اصلاحات باید در فضای نقادانه و پرسش‌گرانه مسایل را ببیند. بدون این رویکرد، هرکسی هرچه بگوید فقط بیان و ادعا است. جامعه‌ای که در آن اطلاعات دقیق و خوانش درست نسبت به مسایل جریان نداشته باشد، امید رفرم وجود ندارد. اساس در فضای لاکچری و نئولیبرالی موجود، اصلاحات یک خوش‌بینی غیرواقعی گرایانه است. به نظر ما در اساس، چیزی به نام کنش و عمل در جریان اصلاحات وجود نداشته است.

من کارگر در تمام این مدت همزمان از سوی کارفرما، دولت، دولت احمدی‌نژاد، دولت تدبیر و امید، دولت خاتمی و هاشمی و ... زیر ضربه بوده‌ام. ما کارگران، در دولت‌های مختلف نادیده گرفته شدیم و از جریان‌های مختلف ناامید شدیم. من بعنوان نمونه ای از کارگران این سرزمین، واقعا ناامیدم. آمار خودکشی همکاران من تکان دهنده است. دریافتی و معیشت کارگران در حد هیچ است. تاکنون در این کشور کدام اصلاح و بهبودی برای ما کارگران نمود پیدا کرده است؟ و در چه دورانی؟ ما کارگران سندیکایی فکر می‌کنیم که جبهه اصلاحات هم، به مثابه نوع نگاهی که بتواند چیزی را در این کشور مصلحانه حل بکند و عدالت اجتماعی را در طبقات مختلف بصورت اشتراکی درآورد، (البته ضمن حفظ مالکیت خاص معنوی) یک خوش‌بینی غیرواقعی گرایانه است. با توجه به ادامه چنین وضعی، در سایه‌ی گسترش هرچه بیشتر مطالبات ترقی‌خواهانه، تحول‌خواهانه و ضد اقتدار گرایانه، تاکید بر شعار نه به انقلاب و آری به اصلاحات، می‌تواند بلا موضوع شود. بدنه مزدبگیران این مملکت آنچنان زیر فشارند که یا زیر این

فشار بطور کامل له خواهند شد و یا منجر به پرتاب همزمان این سویاپ اطمینان و بروز انفجار خواهد گردید.

آیا می‌توانیم تعریف دقیقی از سوسیالیسم ارایه کنیم. نان، کار، آزادی، حکومت شورایی، حرف نخست این انقلاب بود. سوسیال دموکراسی در وضعیت ایران ما به ازای خارجی ندارد. البته مخاطبان هم باید دقت کنند که سوسیال دموکرات مفهوم متمایزی از سوسیال دموکراسی است که اینجا جای بسط آن نمی‌باشد. ما خانواده های کارگری، معتقدیم راه ترقی بشر وقتی است که تقسیم سود در جامعه تبدیل به یک روند عدالت اجتماعی می‌شود. در بستر سیاسی ایران که مبتنی بر خوانشی خاص و انحصاری از پدیده‌ها از جمله در اقتصاد است، سوسیال دموکراسی امکان تحقق عملی ندارد. این گرایش سوسیال دموکراسی، نیازمند پیش روی و جلورفتن در برخی مفاهیم است. توسعه سیاسی به معنای حاکمیت انتخابی، توسعه اقتصادی و آزادی اجتماعی از الزامات این مسیر است. چنانچه این شرایط حاصل شد تازه به سراغ پرسش دوم یعنی مناسب بودن و نبودن سوسیال دموکراسی می‌رویم که آیا اساسن امکان تقسیم فراوانی بین دهک‌ها فراهم است یا خیر؟ که با نگاه آرمانی، ما کارگران تصور می‌کنیم که این امر شدنی است. اما در کل در شرایط فعلی، رفتن به سراغ پرسش دوم یعنی استقرار سوسیال دموکراسی در سپهر اقتصادی، وقتی از عوامل و زمینه‌های نخست محرومیم، امر دست نیافتنی است.

**\*\* توضیح تصویر:**

آبان ماه ۱۳۹۷

نشست تحلیلی در حزب اراده ملت

با حضور از راست حسن مجاهد فعال سیاسی

مجید رعایایی عضو سندیکای کارگران فلز کار مکانیک و کنش گر کارگری

رضا مسلمی فعال صنفی معلمان

## کارگران اسوه ایران برای خرج زندگی چغندر می‌چینند!

کارگران کارخانه اسوه ایران که به دلیل متوقف بودن روند تولید این واحد صنعتی از ابتدای سال جاری تاکنون معطل و سرگردانند، برای تامین معاش خانواده‌هایشان چغندرچینی می‌کنند.

منابع کارگری در استان قزوین گفتند: پرداخت دستمزد ده کارگر باقیمانده این واحد صنعتی دچار تاخیرهای طولانی مدت شده و برای همین از مدتی قبل این کارگران برای کشاورزان محلی به صورت روزمزد گوجه و چغندرچینی می‌کنند. انجام کارهای ساختمانی، پیک موتوری، رانندگی در موسسات کرایه خودرو و کار در منازل آپارتمانی از دیگر راه‌های امرار معاشی است که این روزها کارگران اسوه ایران برای گذراندن مخارج زندگی خود مشغول انجام آن هستند.

کارگران می‌گویند که آن‌ها از اینکه بخواهند هر روز در محل کارشان حاضر شده و منتظر پرداخت شدن بخشی از معوقات مزدی خود بمانند، خسته شده‌اند و ترجیح می‌دهند در خارج از ساعات کاری راه دیگری برای تامین معاش خود پیدا کنند. در این رابطه یکی از کارگران اسوه ایران گفت: می‌دانیم که چیدن چغندر، گوجه و خیار هیچ آینده شغلی ندارد. همه به عنوان کارگر متخصص اسوه ایران در سازمان تامین اجتماعی دارای پرونده بیمه هستیم اما وقتی که نه مزدی داده می‌شود و نه حق بیمه داریم، ناچاریم به نحوی مخارجمان را تامین کنیم. مسئولان استانی نتوانسته‌اند مشکل این واحد تولیدی را در یکسال گذشته مرتفع کنند. بی‌توجهی کارفرما به مشکلاتی که برای کارگران کارخانه بوجود آمده نیز هر روز لطمات بیشتری به کارگران وارد می‌کند. به گفته وی، ادامه بلاتکلیفی در وضعیت کارگران این کارخانه و اینکه ۱۸ ماه حقوق نگرفته‌اند، باعث شده زندگی خانوادگی برخی از کارگران

متلاشی شود و آنان از زن و فرزندان خود دور شوند. وضعیت کارگران اسوه ایران هر روز بدتر می‌شود. باوجود اینکه گهگاه اخبار اخراج و پرداخت نشدن حقوق کارگران این کارخانه در بسیاری از رسانه‌ها منتشر می‌شود اما هنوز مسئولان وضعیت کارخانه را به جهت بی‌اطلاعی پیگیری نمی‌کنند.

طبق اظهارت وی، وضعیت کارخانه و کارگران اسوه ایران برای مسئولان استان قزوین عادی شده است. اول فروردین ماه و زمانی که حدود ۱۵ کارگر قراردادی این کارخانه یکجا اخراج و بیکار شدند، مسئولان هیچ واکنشی نشان ندادند با این حال وضعیت بلاتکلیفی ۱۰ کارگر رسمی این کارخانه به قوت خود باقی‌ست.

□ آیا می‌دانید یکی از مهمترین مشکلاتی که کارگران در هنگام استفاده از قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور با آن مواجه می‌شوند چیست؟

پاسخ ✓ بسیاری از مهمترین مشکلات کارکنان در هنگام بازنشستگی مشاغل سخت عدم تطابق عناوین شغلی با لیستهای بیمه است که کارفرمایان برای آنها به بیمه اعلام می‌کنند. مثلن شغل واقعی کارگر، فنی می‌باشد ولی در لیست بیمه شغل کارگر اداری، خدماتی یا در برخی مواقع فاقد شغل رد می‌شود. این موضوع می‌تواند بازنشستگی کارگر را با مشکل مواجه ساخته و حتا به تعویق بیندازد.

لذا سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به همه کارگران و کارکنان شاغل در پروژه ها و کارخانه ها و کارگاهها با هر سابقه کار توصیه می‌شود با مراجعه به واحد اداری، مالی محل کار یا بیمه تامین اجتماعی از تطابق عنوان شغل فعلی خود با لیست بیمه ارسالی به سازمان تامین اجتماعی اطمینان حاصل نمایند.

## نقش سندیکاهای کارگری در تدوین اولین قانون کار!

۲۹ آبان سالروز تصویب قانون کاری است که قرار بود بر آمده از انقلاب مردمی باشد ولی متأسفانه از قانون قبلی که اعتصاب را برسمیت می شناخت و سندیکاهای کارگری را به عنوان نماینده کارگران به مذاکره فرامی خواند، بسیار عقب مانده تر گردید. بی مناسبت ندیدم روند تصویب قانون کار را در تاریخ مبارزات کارگری را برای دوستان بنویسم.

روز ۵ مرداد ۱۳۲۵ قانون کار برای اولین بار مطرح می شود، روزنامه «ظفر»، ارگان «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» می نویسد: «بالاخره پس از ۲ سال انتظار، دولت لایحه قانون کار را تقدیم مجلس کرد». این اولین باری بود که از طرف دولت در ایران، چنین لایحه ای برای تصویب به مجلس برده می شد. اما طبقه کارگر ایران برای قبولاندن قانون کار به مقامات دولتی، مبارزات سختی را پشت سر گذاشته بود. مبارزه کارگران در ایران سابقه ای طولانی دارد. تا پیش از حکومت رضاخان، مبارزات کارگران دستاوردهایی نیز داشت. اما با حکومت رضاخان، جنبش کارگری به شدت سرکوب شد. در این زمان اصلن صحبتی از حقوق کارگر در میان نبود. با اینحال رضاخان نتوانست اتحادیه های کارگری را به کلی از بین ببرد. بعضی از این اتحادیه ها مانند نفت، راه آهن، دخانیات و چاپخانه ها بطور مخفی فعالیت می کردند و حتا بعضی از نمایندگان آنها مانند «حجازی» یا «شرقی» در همین زمان در کنگره های بین المللی شرکت کردند. در چنان شرایط خفقان آوری طبیعی بود که کارگران برای به دست آوردن ابتدایی ترین حقوق خویش باید مبارزات سختی را دنبال کنند. تحت تاثیر همین مبارزات بود که در سال ۱۳۱۵، نظامنامه ای در مورد رابطه کار و سرمایه تنظیم شد. هنوز صحبتی از قانون در میان نبود. تازه این نظامنامه هم بسیار ناقص بود. موادی راجع به استخدام کارگر و بهداشت محیط کار در این نظامنامه دیده می شد. اما این نظامنامه جنبه تشریفاتی داشت و به آن عمل نمی شد تا اینکه رضاخان در سال ۱۳۲۰ از ایران فرار کرد.

طبقه کارگر ایران برای قانونی کردن امتیازات به دست آورده، مبارزه می کند.

بعد از سقوط رضاخان، عناصر آگاه طبقه کارگر بلافاصله اتحادیه های خود را احیا کردند. از جمله مهمترین آنها، «شورای مرکزی اتحادیه های کارگران» در خیابان فردوسی بود. در این زمان جنگ جهانی دوم جریان داشت و بنابراین سمت عمده مبارزه طبقه کارگر علیه فاشیسم هیتلری بود. برای همین در بعضی از کارخانه هایی که کارگران برای



متفقین (کشورهایی که علیه آلمان و متحدین آن می جنگیدند) کار می کردند، کارگران به درستی این مسئله را در نظر داشتند که خواسته‌های خود را نه از راه اعتصاب، بلکه از راه مذاکره به دست بیاورند. البته وجود اتحادیه کارگری باعث می شد که کارگران امتیازات زیادی به دست بیاورند. برای نمونه در بعضی از کارخانه های اصفهان، کارگران توانستند میزان دستمزدها را تا ۴ برابر بالا ببرند و ۸ ساعت کار روزانه را به کارفرما بقبولانند. مسئله مهم این بود که کارگران، تشکیلات خود را در جریان همین مبارزات تشکیل و گسترش میدادند. اتحادیه کارگری، دستوری و از بالا نبود. خواستی مطرح می شد و تعدادی از کارگران دور هم جمع می شدند و برای این خواست مبارزه می کردند. از همین جا، هسته اولیه اتحادیه بوجود می آمد. مسئله مهمی که باید به آن توجه داشت، نباید تصور کرد که اول باید تشکیلات خود را به وجود آوریم و بعد مبارزه کنیم. این تصور اشتباه است. تجربه جنبش کارگری به ما می گوید که تشکیلات هم در جریان مبارزه به وجود می‌آید و هم در جریان مبارزه به بلوغ میرسد. قانون کار هم در جریان همین مبارزات است که مطرح میشود. از زمانی که «شورای مرکزی اتحادیه کارگران» به وجود آمد، مسئله قانون کار هم مطرح بود. طبقه کارگر ایران با جدیت تمام می خواست اولن امتیازاتی را که به دست آورده بود قانونی کند و دومن رابطه کار و سرمایه به نحوی تنظیم شود که سرمایه داران نتوانند هر کاری که دلشان میخواهد انجام دهند. در این زمان علاوه بر «شورای مرکزی اتحادیه های کارگران»، «اتحادیه کارگران و برزگران» و همچنین «کانون کارگران راه آهن» نیز وجود داشت. کارگران در تجربه فهمیدند که برای اینکه به خواسته های خود برسند، چاره ای نیست مگر اینکه همه با هم متحد شوند و به همین دلیل، در روز اول ماه مه ( ۱۱ اردیبهشت) سال ۱۳۲۳ از به هم پیوستن این ۳ اتحادیه، «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» تشکیل شد. زیر فشار شورای متحده، دولت مجبور شد تا لایحه قانون کار را به مجلس ببرد. اما لایحه ای که دولت به مجلس داده بود خیلی ناقص بود. روزنامه «ظفر» شماره ۶ در تاریخ ۵ مرداد مینویسد: «این قانون که ما آنرا گول زدن کارگران می خوانیم به قدری مفتضح و ناقص است که اگر بخواهیم آنرا شرح دهیم، ستونهای روزنامه گنجایش آنرا نخواهد داشت». روزنامه ظفر تاکید می کند: «قانون کار باید طوری نوشته شود که کلیه مزدبگیران، اعم از مهندس، تکنیسین، کارگر، پیشخدمت و... کارگران کشاورزی از آن استفاده کنند. شورای متحده مرکزی معتقد است که لایحه تقدیمی مبهم است و به ویژه ماده های ۱۸ و ۱۹ آن، استقلال اتحادیه های کارگران را از بین می برد». روزنامه «ظفر» در همین شماره، پیشنهادهای مشخصی در مورد کارگران فصلی، شرکتهای

تعاونی، بیمه کارگران، منع کار کودکان کم تر از ۱۴ سال می دهد و از نمایندگان مجلس می خواهد تا این پیشنهادها را مورد توجه قرار دهند. در این زمان کارگران برای تدوین یک قانون کار مترقی، تظاهرات زیادی بر پا می کردند. در این تظاهرات علاوه بر تدوین قانون کار، تشکیل اداره ای برای نظارت بر اجرای قانون نیز، یکی از خواستههای اساسی کارگران بود. در شورای متحده مرکزی، طرحی برای قانون کار تنظیم شد و به مجلس داده شد. هم این طرح پیشنهادی شورای متحده و هم لایحه ناقص دولت در مجلس مسکوت باقی ماند و کارفرمایان همچنان به دلخواه خود به کارگران زور می گفتند. کارگرانی که تشکل نداشتند، گاه تا روزی ۱۵ ساعت کار می کردند. آنها که تشکل داشتند، می توانستند با قراردادهای دسته جمعی، امتیازاتی بگیرند.

دو نکته اساسی اول اینکه، بدون اتحاد و بدون تشکیلات، هیچ خواسته ای را نمی توان به دست آورد. دیگر اینکه ضرورت این اتحاد و تشکیلات باید لمس شود. کارفرمایان در مقابل اتحاد کارگران واکنش نشان می دهند. به آنها مارکهای مختلف میزنند. سازمانهای کارگری قلبی درست می کنند. بنابراین مسئله اتحاد کارگران، مسئله ساده ای نیست. برای همین بود که قانون کار، ۲ سال در مجلس خاک می خورد. شورای متحده مرکزی، خواستههای کارگران در مورد قانون کار را جمع آوری می کرد و از طریق روزنامه «ظفر»، از طریق مذاکره با مقامات مسوول و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مملکت مطرح می کرد و از طرف دیگر، حکومت ارتجاعی وقت، زمینه هجوم به جنبش آزادیخواهانه مردم و از جمله طبقه کارگر را فراهم میآورد. به همین دلیل، مسئله اساسی برای شورای متحده مرکزی، برکناری دولت «صدرالاشراف» معروف بود و قانون کار به یک مسئله «درجه دوم» تبدیل شد. اینجا دیگر شورای متحده مرکزی برای موجودیت خود مبارزه می کرد. با کمک و حمایت کارگران، شورای متحده خود را به دولت می قبولاند زیر فشار این مبارزه بود که حکومت ارتجاعی وقت مجبور به عقب نشینی شد. شورای متحده مرکزی توانست به کمک نیروی کارگران متشکل، موجودیت خود را به دولت بقبولاند. مسئله قانون کار دوباره مطرح شد. جنگ تمام شده بود، دست طبقه کارگر برای مبارزه پیگیر بازر شده بود. در این زمان، کمیسیون هایی برای تدوین قانون کار و سایر مسایل کارگری تشکیل شد که نماینده شورای متحده مرکزی به عنوان نماینده واقعی کارگران سراسر ایران در آن شرکت می کرد. روزنامه «ظفر» در تاریخ ۳ اردیبهشت سال ۱۳۲۵ خبر می دهد که سومین جلسه کمیسیون مشورتی طرح قانون کار با حضور نماینده شورای متحده تشکیل شد و طرح مزبور پس از شور و اصلاح تقدیم

شورای اقتصادی گردید. در آن زمان هنوز وزارت کار تشکیل نشده بود. سرانجام قانون کار تصویب شد. لایحه قانونی کار به مجلس رفت و سرانجام در اواخر اردیبهشت سال ۱۳۲۵ به تصویب رسید. روزنامه «ظفر» در شماره ۲۶۰ به تاریخ ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۲۵، طی مقالهای با عنوان «قانون کار تصویب شد؛ مشقت محکم کارگران بر دهان ارتجاع فرود آمد» خبر تصویب قانون کار را اعلام کرد. روزنامه «ظفر» در تاریخ ۱۴ آبان سال ۱۳۲۵ طی مقالهای اشاره می کند: «قانون کار، نتیجه مبارزه خونین و فداکاری بی شمار کارگران مظلوم ایران و رهبران آنهاست». روزنامه فوق در این مقاله اشاره می کند که برای هر امتیازی که در این قانون ثبت شده است، تعدادی از کارگران جان خود را از دست داده اند. قانونی که به این صورت تصویب شد، با طرح شورای متحده تفاوتی نداشت، اما مسئله عمده این بود که سرانجام قانون کار به تصویب رسید. شورای متحده عقیده داشت که در جریان عمل و با مبارزات بعدی می توان اصلاحات لازم را در آن به عمل آورد. به این ترتیب بعد از حدود ۴۰ سال مبارزه، سرانجام طبقه کارگر ایران یکی از خواست های خود را به کرسی نشاند.

از تجربه های گذشته، درسهای زیادی می توان گرفت. مهمترین درس این است که بدون تشکل و اتحاد، طبقه کارگر نمی تواند به خواسته های خود برسد. در حال حاضر که مسئله اجرا نشدن همین قانون دست و شکسته کار مطرح است. بی دلیل نیست که کارگران می گویند نمایندگان واقعی ما باید در اجرای قانون کار شرکت فعال داشته باشند. نمایندگان واقعی کارگران چگونه انتخاب می شوند؟ آیا بدون وجود یک تشکل کارگری سراسری می توان نماینده کارگر انتخاب کرد؟ نه. اینجا فقط میتوان چند نفر کارگر را به عضویت فلان کمیسیون درآورد. کارگران بدون داشتن تشکل کارگری نمی توانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند. به همین دلیل است که بخشنامه هایی که وزارت کار و نمایندگان مجلس صادر و تصویب می کنند، مورد اعتراض کارگران قرار میگیرد. قانون اساسی اصل ۲۶ را به تشکلهای کارگری اختصاص داده است و در آن به صراحت گفته است: «هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها (یعنی سندیکاهای کارگری) منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» و یا اصل ۲۷ که در مورد اعتصاب است: «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». کارگران می توانند با تکیه بر همین اصول از قانون اساسی، خواهان ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری و قانونی بودن اعتصاب و در نهایت شرکت فعال در بازنگری قانون کار به نفع کارگران باشند.

**زیبا آوایی بافنده**

## نیما یوشیج چه زیبا گفت:

فکر را پَر بدهید

و نترسید که از سقف عقیده برود بالاتر

فکر باید بپرد

برسد تا سر کوه تردید

و ببیند که میان افق باورها

کفر و ایمان چه به هم نزدیکند

"فکر اگر پَر بکشد"

جای این توپ و تفنگ، اینهمه جنگ

سینه ها دشت محبت گردد

دستها مزرع گل‌های قشنگ

"فکر اگر پَر بکشد"

هیچکس کافر و ننگ و نجس و مشرک نیست

همه پاکیم و رها...

## در هفت تپه چه می گذرد؟

گزارش حسابرسی قانونی شرکت هفت تپه را مطالعه می کردم. نکات جالبی و در عین حال اسفناکی دارد. اطلاعات شرکت هفت تپه:

۲۴ هزار هکتار ، دقت کنیم ، ۲۴ هزار هکتار ؛ یعنی معادل ۲۴۰ کیلومتر مربع ، یعنی به وسعت شهر شیراز ؛ با کلی تجهیزات و مواد اولیه و ماشین آلات و ...؛ را در سال ۱۳۹۴ به مبلغ ۶ میلیارد تومان نقد و کمتر از ۳۰۰ میلیارد با اقساط ۸ ساله واگذار کردند. مغز انسان سوت می کشد!!!

۲۴۰ کیلومتر مربع زمین ، حتا زمین کویر و لم یزرع را با ۶ میلیارد تومان نقد و مابقی ۳۰۰ میلیارد تومان به طور اقساط حراج نمی کنند !!!

بیش از نصف این وسعت حاصلخیزست ؛ هر سال ظرفیت تولید ۱۰۰ هزار تن تولید شکر سفید و مقدار بسیار زیادی ملاس و شکر سفید و خوراک پایه دام هم دارد!! بزرگترین کارخانه نیشکر خاورمیانه بوده است و شاید هنوز هم بزرگترین باشد!! مغز انسان از این نوع تاراج و غارت هنگ می کند.

کارفرمایان گرامی ، پارسال به بهانه احداث کارخانه های تولید الکل و رب گوجه و mdf و چند تای دیگه ۸۰۰ میلیون دلار وام گرفته اند. ۸۰۰ میلیون با دلار ۱۰ هزاری یعنی ۸۰۰۰ میلیارد تومان!!!

در واقعیت ، واژه های تاراج و غارت در مقابل این نوع رفتار و عملکرد دولت و کارفرمایان خصوصی واژه های ناقصی هستند . این مورد هفت تپه مثالی از مشت نمونه خروار است. اعتراض کارگران هفت تپه ، باید اعتراض هر ایرانی باشد. نباید کارگران هفت تپه تنها بمانند.

**کارگر بازنشسته فلزکار**

پایدار باشید.

## چیزی به مثابه عمل



رفقا، در مواجهه ایم با پدیده‌هایی هم چون کارکرد اجتماعی و هر کدام مان به تصویری، سهمی از "آگاهی جمعی" را یدک می‌کشیم؛ از سویی روبرو ایم با دیکتاتوری ای خشن و امنیتی، که توهم کنترل شدن و انتظارِ برخوردِ امنیتی را با خودمان، هر روز و هر لحظه به ممیزی و خودسانسوری مان به همراه می‌کشیم!

به عنوان کسی که مدتی است تجربه‌های متنوعی از این دست در سطوح مختلف، کسب کرده‌ام؛ تصور می‌نمایم، مادامی که "عمل"ی در میان نباشد، علما و فضلاء امنیتی مداخله‌ای نداشته‌اند و نخواهند داشت؛ بارِ دیگر به این "معقولیتِ واقعیت" باز می‌گردم که این نیروهای کم‌هوش و کم‌دقتِ امنیتی، مادامی مداخله‌شان آغاز می‌شود که ما از حوزه‌ی فرد خارج شده و موضعی اتخاذ می‌کنیم که قابلیتِ "کارآیی جمعی" دارد. پس به سهم توصیه‌هایی خواهیم داشت:

-مطالبات مان را باید در حوزه‌ی "امور مادی"، صنفی، چیزهایی دقیقاً منطبق بر آب و نان و دستمزد و ... باید تکرار و تکرار کنیم تا تبدیل شوند به دغدغه‌هایی ولو در گروهی محدود و طبقه‌ای دست‌پائین و کم‌جمعیت!

-هیچ واژه ای از انواع فضاحت های نیروهای اطلاعاتی، حفاظتی و امنیتی در دل نیست، چرا که حوزه ی مطالبه، دقیقاً آب است و نان و اموری مشابه نیازهای همان مزدوران...

-و متأسفانه ما مهم نیستیم، مادامی که در حصارِ خانه مان، کاپیتال می خوانیم یا پولیتسر، اپوزیسیونِ آن ورِ آبی را مرور می کنیم یا اصلاح طلبی کم رنگ این ورِ آبی را...؛

ترس و واژه ی دیکتاتور، لحظه ای آغاز می شود که بیش از چند نفر باشیم، با مطالباتی "معین" و منطبق بر "محرک های تاریخی..."

## ش.ص.زاهدی

### رعایت حقوق انسانی زنان شاخص جامعه ای پیشرفته است!

در هر کشوری اگر به زنانش توهین شد، مردانش آزاده نیستند!

هر جا مردمانش به دعا کردن و ستایش مردگان و تکریم کشیشان و روحانیون پرداختند، آن مردم قیل از مرگشان همگی مرده اند!

هر جا مردمی به آزار حیوانات پرداختند، آن مردم در جهل و بی حرمتی زندگی می کنند!

هر جا مردمی علم و خرد را خیال پردازی و هنر را فخر فروشی دانستند، آن مردم در حماقت خود دست و پا می زنند!

هر جا مردمی شعارشان از شعورشان بیشتر و لباسشان از خودشان گرانتر بود، اولین خصلتشان فریب کاری است.  
آرین سندیکالیست

## به مناسبت سالروز تصویب قانون کار مطرح شد:



### «بخشنامه‌ها» قانون کار را دور زدند

#### قانون کار، سندی که در کشورهای وزارت کار خاک می‌خورد

مازیار گیلانی‌نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با انتقاد از اجرایی نشدن قانون کار از ۲۹ آبان ۶۹ تا امروز، مهم‌ترین ضعف این سند قانونی را در فصل ششم آن می‌داند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، ۲۹ آبان سالروز تصویب قانون کار است؛ مسیر تطور قانون کار در بیست و چند سال گذشته چگونه بوده‌است و آیا این سند قانونی توانسته در نقش سپر حمایتی برای صیانت از نیروی کار عمل کند؛ مازیار گیلانی‌نژاد (کوشنده سندیکای کارگران فلزکار) در این رابطه می‌گوید: در سالروز تصویب قانون کار متأسفانه باید بگویم این قانون حمایتی نه تنها در طول سال‌های گذشته هرگز ارتقا نیافت بلکه هر روز بی‌خاصیت‌تر از قبل شد.



این فعال کارگری، «بخشنامه‌های متعدد» را در بی‌اثر شدن قانون کار و از بین رفتن اثرات اجرایی آن موثر می‌داند و می‌گوید: لابی‌گری‌ها و سودجویی‌ها، به انحاء مختلف قانون کار را از حیز انتفاع ساقط کرده‌است؛ ضربه‌ی کاری را بخشنامه‌های صادر شده به این سند قانونی زده‌اند؛ برای نمونه، در اصل ۲۹ قانون اساسی از فراگیرتر شدن بیمه سخن گفته شده اما در سال ۷۷ طی بخشنامه‌ای کلیه کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از شمولیت قانون کار خارج شدند و بعد از آن سال، طی بخشنامه‌های دیگری، تمامی مناطق آزاد از شمولیت قانون کار خارج شدند؛ با این کار صدها هزار کارگر امروز دیگر بیمه نیستند و دقیقاً به همین دلیل تامين اجتماعی عنقریب است که به ورشکستگی برسد.

### «بازرسی» را به فراموشی سپردند

گیلانی‌نژاد ادامه می‌دهد: بخش بازرسی و ایمنی وزارت کار نه تنها به یک بخش فراموش شده در قانون کار بدل شده است بلکه دیگر بازرسان به تعداد کافی وجود ندارد تا از قربانی شدن کارگران در کارگاه‌ها جلوگیری کنند؛ این درحالی‌ست که ایمنی بخش جدایی‌ناپذیر دستمزد کارگران است.

وی به نمونه‌های دیگر از فراموشکاری‌های قانونی و نادیده گرفته شدن اصول قانون کار اشاره می‌کند: عقب افتادن دستمزدهای کارگران بیش از شش ماه در پروژه‌های نفتی به یک امر عادی تبدیل شده که خلاف قانون کار است. فرار مدیران شرکت‌های خصوصی مانند هفت تپه و وادار کردن کارگران به اعتراضات دنباله‌دار همه و همه، قانون کار را به یک ورق پاره‌ی بدون ارزش اجرایی تبدیل کرده است. لغو قراردادهای رسمی و جایگزین کردن قراردادهای شش ماهه و سه ماهه و حتی روزمزدی، باعث شده امنیت شغلی کارگر به بازیچه‌ای در دست کارفرمایان مبدل شود. در این حال چگونه کارفرمایان و دولت از کارگران «بهره‌وری» را انتظار دارند؟ چگونه

کارگری که نمی‌داند فردا سرکارش هست یا نه می‌تواند برای دستگامی که با آن کار می‌کند دل سوزانده و از آن مراقبت کند یا دست به ابتکار برای بهبود روند تولید بزند؟!!

### کارگران در چنبره «قانون‌گریزی» و «بی‌مسئولیتی» گرفتار آمده‌اند

وی با بیان اینکه کارگران در چنبره «قانون‌گریزی» و «بی‌مسئولیتی» گرفتار آمده‌اند، می‌افزاید: شلوغی هیات‌های حل اختلاف و ارجاع پرتعداد کارگران به این مراکز، نشان از بی‌قانونی حاکم و دور زدن قانون کار توسط کارفرمایان با توسل به بخشنامه‌های متعددی است که در این سال‌ها صادر شده است.

این فعال کارگری در ادامه گفتگو با تاکید مجدد بر ضمانت اجرایی نداشتن قانون کار، به ضعف‌های این سند قانونی اشاره می‌کند و می‌گوید: فصل ششم قانون کار یکی از مواردی است که نیازمند اصلاح است؛ این فصل با محدودسازی تشکلیابی کارگران، اصل ۲۶ قانون اساسی را نقض کرده و کارگران را از داشتن تشکل‌های مستقل صنفی محروم ساخته درحالی‌که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی هر کسی می‌تواند تشکل مورد علاقه خود را ایجاد و عضو آن شود؛ همین مساله باعث شده کارگران از تکیه گاه قانونی خود محروم بمانند.

گیلانی‌نژاد در پایان تاکید می‌کند: شاید دلیل اصلی اجرایی نشدن قانون کار در همین ضعف تشکلیابی باشد؛ کارگران اگر «قدرت چانه‌زنی» بالایی داشته باشند، می‌توانند به راحتی مقابل قانون‌گریزی‌ها بایستند و حقوق صنفی و قانونی خود را مطالبه کنند. به هر حال، زنده شدن «قانون کار» و عمل به آن، یکی از مهم‌ترین مطالبات ما کارگران است؛ مطالبه‌ای که به نوعی زیربنای همه خواسته‌های صنفی ما محسوب می‌شود.

## ضرورت تشکیل صندوق‌های اعتصاب

کارگران و جنبش کارگری ایران از یک منبع مالی قوی و مورد اعتماد محروم‌اند و همین محرومیت و کمبود اساسی می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری بر مبارزات کارگری وارد سازد. تامین منابع مالی اعتصاب و ایجاد صندوق‌های کمک و همیاری می‌تواند از اعتصاب و رهبران‌ش به خوبی حمایت کند.

همه می‌دانیم اگر چرخ تولید از کار بیفتد، و تولیدی در کار نباشد، سودی نیز در کار نخواهد بود. بدون تولید سرمایه دچار اخلاص می‌شود و این را هر سرمایه‌داری نیز می‌داند. از همین روست که سرمایه‌دار، از اعتصاب کارگران به شدت می‌ترسد. از طرف دیگر اعتصاب و خواباندن چرخ تولید، مهم‌ترین ابزار طبقه کارگر برای قبولاندن مطالبات خود به کارفرما و طبقه سرمایه‌دار است. علاوه بر این اعتصاب موجب ارتقا آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران می‌گردد. در جریان اعتصاب است که کارگران در مقابل خود کارفرما و دولت و نیروهای سرکوب را به صورت طبقه‌ای متشکل و یک پارچه درک می‌کنند و از سوی دیگر به قدرت و نیروی اتحاد خویش پی می‌برند و در می‌یابند که مبارزه طبقاتی چیزی نیست جز مبارزه کل طبقه‌ی کارگر علیه تمام کارفرمایان و کارخانه‌داران به مثابه یک کل. تاکتیک اعتصاب و خواباندن چرخ تولید، نه فقط از لحاظ تاثیر بلا انکار آن در قبولاندن مطالبات کارگران بر سرمایه‌داران، بلکه همچنین از لحاظ تأثیرات آن بر رشد درجه آگاهی طبقاتی در صفوف کارگران نیز، از مهمترین تاکتیک‌های مبارزاتی طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار است. بیهوده نیست که گفته‌اند "پشت هر اعتصاب، ازدهای انقلاب خوابیده است! دولت در مقام دفاع از سرمایه‌داران بیشترین تلاش‌اش را خواهد کرد تا شعله‌های اعتصاب و اعتراض کارگران را قبل از آنکه به دیگر مناطق و دیگر کارخانه‌ها سرایت

کند، در نطفه خفه و خاموش کند. اما بی‌تردید هر اعتصابی، با محرومیت‌های متعددی برای کارگران همراه است. محرومیت‌ها و فشارهایی که با بدبختی‌های دوران جنگ قابل مقایسه است: گرسنگی وحشتناک خانواده کارگران، از دست دادن دستمزد، بازداشت و زندان و یا تبعید نمایندگان و رهبران اعتصاب.

مثل روز روشن است که کارگری که دستمزدش چندین برابر زیر خط فقر است، هیچ پس‌انداز و اندوخته‌ای برای زمان اعتصاب ندارد. سرمایه‌دار می‌داند که کارگر اعتصابی و خانواده‌اش یاباید از گرسنگی بمیرند یا اعتصاب را شکسته و به شرایط خفت بار کارفرما تن دهند. مشکل این جاست که در حالی که نتیجه‌ی اعتصاب نه فقط برای کارگران اعتصابی یک کارخانه یا مجتمع صنعتی بلکه متوجه کل طبقه‌ی کارگر است، ولی محدودیت‌ها و فشارها و سرکوب‌ها در طی اعتصاب تنها متوجه کارگران اعتصابی آن کارخانه‌ی خاص است. این موضوعی است که باید ذهن هر کارگر آگاه را به خود مشغول سازد و برای آن چاره‌ای بیندیشد. در کنار اتحاد و همبستگی کارگری، تشکیل صندوق‌های اعتصاب یکی از ضروری‌ترین ملزومات یک اعتصاب موفق است تا بتواند از رهبران اعتصابی و خانواده‌های کارگران زندانی حمایت کرده و اجازه تحمیل گرسنگی از سوی کارفرمایان را ندهد.

**من ساده ترین کارگرِ نیشکرم**

**پیچیده تمامی جهان را خبرم**

**آقای رییس، بچه ها منتظرند**

**امروز به جای نان، چه باید ببرم؟**

## تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

### خسیس

شخصی بود در عجبشیر خیلی قیتمیر(خسیس) بود اصلان ریالی خرج نمی کرد. از ماماغان به شهرما آمده بودند. توی عمرش یکبار سوار تاکسی نشد همیشه پیاده می رفت و می آمد از ایشان خیلی حرفها هست. خدمتتان چند مورد را خواهم نوشت.

روزی در حیاطش چند سیخ جگر سفید کباب می کرده و بویش به همه جا می رفته و گربه ها از پشت بام هی میو میو می کردند.

ایشان هم به گربه ها می گفت: مه که دی. مه که (یعنی بلاله بلال).

گوشت نیست. ذرت را هم گربه ها نمی خورند.

تو جلسه ی روضه خانومها، خانم روضه خون رو به بقیه کرد و گفت: به شوهراتون حق ازدواج مجدد بدین تا به گناه آلوده نشن! ... همین نصیحت کافی بود که یه خانومی بلند بشه و بره در گوش خانم جلسه ای بگه: خدا اموات شما رو بیامرزه که با این حرفت راحتم کردی، مونده بودم چه جوری بهتون بگم.. من زن دوم شوهرتون هستم(☺)??..

خانم جلسه ای از حال رفت و بیهوش شد. خلاصه با کلی آب پاشیدن رو صورتش و ماساژ قلبی به هوش اومد. خانومه بهش گفت اگر خودت به حرفات پایبند نیستی الکی مردم را نصیحت نکن. من خودم شوهر دارم فقط میخواستم ببینم خودت به حرفهایی که میزنی ایمان داری و عمل میکنی یا نه!!

## روز ۲۵ نوامبر ۴ آذرماه روز جهانی منع خشونت علیه زنان گرامی باد!

در روز ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰ سه خواهر جوان عضو جنبش آزادیبخش دومینیکن از کشورهای آمریکای لاتین با نام خواهران میرابل، پس از شکنجه، سرانجام به دست مأموران ترروخیو، دیکتاتور وقت به قتل رسیدند. “جرم” این سه خواهر شرکت در فعالیت های سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر دومینیکن بود. ۲۱ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۱، در همایشی که در بوگوتا، پایتخت کلمبیا، با شرکت مدافعان حقوق زنان در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب تشکیل شد، پیشنهاد اختصاص دادن روز قتل خواهران میرابل به روز منع خشونت علیه زنان مطرح گردید. هدف از این پیشنهاد آن بود که هم به تلاش و جسارت این خواهران ادای احترام شود و هم افکار عمومی بیش از پیش به سوی منع خشونت علیه زنان سوق یابد. در راستای همین تصمیم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹، روز ۲۵ نوامبر را به عنوان روز بین المللی مبارزه با خشونت علیه زنان نامگذاری کرد.

این قوانین در حالی در جهان به تصویب رسیده اند، که فقر چهره ای زنان دارد، خشونت علیه زنان سیستماتیک شده است. آمار قتل زنان توسط شوهران و یا مردان نزدیک به آنها بیداد می کند. سوتغذیه و ازدواجهای اجباری رواج دارد. میلیونها زن از خواندن و نوشتن محرم هستند. در بسیاری از کشورها از جمله ایران زنان جزیبی از مایملک مرد به حساب می آیند و هیچ منبع درآمد و یا پیشه ندارند. میلیونها زن در کشورهای خاورمیانه قربانی جنگ و آواره گی هستند و اکثریت زنان جهان روزانه چه در چارچوب خانواده و چه در محیط کار و اجتماع با خشونت دست و پنجه نرم می کنند.

برای محو خشونت علیه زنان لازم است، کلیه قوانینی و سائیری موانعی که در طول تاریخ زندگی اجتماعی علیه زنان شکل گرفته است در جامعه بشری ریشه کن شوند و برای رسیدن به جامعه عاری از بی عدالتی و نابرابری هیچ راهی نیست، جز آگاهی، همبستگی و مبارزه برای ریشه کن کردن کلیشه های و ساختارهای تبعض آمیز.

تا هنگامی که تبعیض جنسیتی و بی عدالتی در جهان جاری باشد، خشونت علیه زنان بخشی از زندگی روزمره اکثریت زنان است.

### **خشونت علیه زنان از نظر شما چیست؟**

چرا خشونت علیه زنان همچنان یکی از مسایل اصلی در سرتاسر جهان است؟ و چه مسایلی میتواند کمک کند تا خشونت علیه زنان ریشه کن شود؟

چه مسایلی باعث میشود، خشونت در بعضی از خانوادهها یا بعضی از کشورها بیشتر و عریانتر باشد؟

فکر میکنید، بیشترین قربان خشونت علیه زنان چه گروههای از زنان هستند؟ آیا تهدید به جنگ و تحریم اقتصادی بر روی خشونت بیشتر بر زنان تاثیر میگذارد؟

چرا زنان و دختران دارای معلولیت بیشتر از دیگران مورد سوء استفاده جنسی و خشونت قرار می گیرند؟

آیا رسانه های گروهی یا سیستم آموزشی در بازتولید فرهنگ ناموس پرستی یا ترویج خشونت و فرودست بودن زنان نقش دارد؟

**جمیله روح زنده**

## نگاه سرمایه داری به زنان در سراسر جهان

مبارزات زنان کره جنوبی به این دلیل در نشریه گنجانده شد که خوانندگان ما بدانند اخلاق سرمایه داری چگونه در کره جنوبی مردان کارگر را علیه زنان کارگر به کار می گیرد و حتا در دانشگاه ها آزار و اذیت زنان توسط مردان که آنان را پایین تر از مردان می پنداشتند، انجام می گرفت.

### زندگی زنان کره جنوبی و مبارزات آنان

موج دوم مبارزات جنبش زنان کره جنوبی در سال ۱۳۷۷ شروع شد، زمانی که جنبش زنان کارگر دیگر نمی خواست تنها به صورت جنبش زنان در مبارزات شرکت کند؛ آنان با حفظ استقلال و خودگردانی، خود را بخشی از جنبش مبارزاتی کارگری می دانستند. جنبش دانشجویی زنان کارگر در دهه ۶۰ شمسی کمپین وسیعی در رابطه با شکنجه و آزار جنسی در دانشگاه و محیط های اجتماعی به راه انداخت. این کمپین به این منجر شد که در سال ۱۳۶۳ش برای اولین بار، این آزارها به عنوان جرم در دادگاهها قابل رسیدگی شد. در تظاهرات و اعتراض ها، پلیس اقدام به دستگیری دانشجویان می کرد. در این مبارزات فعالان زن دانشجو هم زمان با ۱۶۶ وکیل همکاری کردند تا تمامی زندانیان زن آزاد شدند و افراد پلیسی که زنان و دختران را مورد آزار جنسی قرار داده بودند، نیز دستگیر شدند. بحران اقتصادی این سالها سبب شدت یافتن اعتراضات کارگری شد. زنان در این اعتراضات حضور فعال و برجسته ای داشتند. در خلا وجود یک حرکت متشکل سازمانی، مبارزات زنان بیشتر در جهت جنبش های اجتماعی برجسته می شد. شرکت فعالان زنان در مبارزات بزرگ ۱۹۸۷ بسیار درخشان بود. تخمین زده میشود ۲ میلیون، معادل حدود یک سوم از کارگرانی که در



شرکتهای با تعداد ده کارگر یا بیشتر کار می کردند، در این اعتراضات به طور منظم شرکت داشتند. (وزارت کار کره، ۱۹۸۸)

تجمعی که در بزرگداشت کیم کیونگ سونک، (یکی از جانبختگان اعتراضات) در سپتامبر ۱۹۸۶ برگزار شد، فرصتی خاص برای پایه گذاری "اتحادیه زنان کارگر کره" ایجاد کرد. این اولین تجمعی بود که به طور واقعی و برای اولین بار، به طور مشترک توسط چند گروه کاری، به منظور تمرکز بر روی مسائل زنان کارگر درون جنبش کارگری سازمان یافته و برگزار شد. جلسات عمومی کمیته آماده سازی فعالیتهای کارگری "اتحادیه زنان کارگر کره"، همواره با محاصره پلیس و مشکلات و موانع بسیاری روبرو بود.

اتحادیه زنان کارگر کره در سال ۱۹۸۷ برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی و صنفی زنان شکل گرفت. این انجمن سیاستهای دولت را در رابطه با وضعیت زنان بررسی میکرد. این انجمن علیه نادیده گرفتن دفاع از مبارزات زنان از طرف مردان دست به فعالیت زد و حق مهدکودک و حقوق دوران زایمان از فعالیتهای این انجمن است. این انجمن در کمیته زنان آسیایی بسیار فعال است. انجمن زنان در سالهای ۸۷ تا ۸۹ درگیری بسیاری با مردان اتحادیه های کارگری داشت، رهبران مرد اتحادیه ها فقط سعی میکردند تبعات کمتری از بحران اقتصادی شامل مردان شود. در آن زمان مردان کارگر ۷۲ درصد نیروی کار شاغل را تشکیل می دادند.

بعد از بحران اقتصادی ۱۹۹۸ و بوجود آمدن "فدراسیون شوراهای کارگری"، (کی سی تی یو) این فدراسیون توانسته بود ششصد هزار کارگر را به عضویت خود در آورد که اکثر این کارگران یقه سفید در بخشهای اقتصادی کلان و با قراردادهای دایم کار می کردند. بعد از بحران و با شروع اخراجها و تغییر کار از ۴۰ ساعت کار در پنج روز در هفته به ۲۰ ساعت کار در بیشتر از پنج روز، توجه این تشکل مستقل به زنان کارگر جلب شد. "فدراسیون

شوراهای کارگری” دریافت که زنان بخش کوچکی از اعضای اتحادیه را تشکیل می‌دهند و به تعداد کمتری چه در محیط کار و چه در سطح رهبری حضور دارند. در سال ۱۹۹۹ از ۷۰۰ رهبر کارگری کره تنها سی زن در سطح رهبری قرار داشتند.

در اعتصاب کارگران ماشین سازی هیوندا که ۱۲ هزار پلیس را به محیط کار کشاند، اتحادیه رسمی با ده هزار استعفای کارگران موافقت کرد. پیامد این اعتصاب اخراج ۲۷۷ کارگر بود. ۱۴۴ زن کارگر مسن هم در بخش غذایی کار خود را از دست دادند. این زنان در تمامی مدت اعتصاب برای کارگران مرد اعتصابی سه وعده غذا درست می‌کردند. اتحادیه از این زنان کارگر حمایت نکرد. این زنان دست به اعتراض علیه اتحادیه زدند و اعتصاب غذای خود را علیه اتحادیه شروع کردند. این اعتراض به اتحادیه سه سال طول کشید. این کارگران زن بدترین دوره مبارزه را زمانی میدانستند که از طرف مردان عضو اتحادیه به آنها “خودخواه” گفته می‌شد چرا که به بیکاری خود تن نمی‌دادند و مردان کره ای فکر می‌کردند هر زن کارگر شاغل باعث بیکاری مردی خواهد شد. حتا برخی از مردان علیه زنان سد معبر درست می‌کردند تا نتوانند در اعتراضشان به اتحادیه شرکت کنند. ۲۴ زنان بخش کافه تریا که تحت نظارت و به واسطه شرکتهای پیمانکاری کار می‌کردند، با پشتکار خود نه تنها توانستند در این مبارزات علیه رهبران مرد اتحادیه موفق شوند. در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۹۹، شصت زن کارگر در نشستی، اولین تشکل مستقل زنان کارگر (کی دبلیو تی یو) را پایه گذاری کردند.

## سال مرگ پازولینی...



فیلمساز برجسته ای که سمت و سوی فیلم هایش درد و رنج کارگران و مصایب سرمایه داری بود. کمونیست بود و افشاگر ضد بشری نظام سرمایه داری، لائیک بود و ناقد سرسخت کلیسا... پیر پائولو پازولینی فیلمسازی جسور که تسلیم مافیای صنعت فیلمسازی روزگارش نشد تا سرانجام در دوم نوامبر ۱۹۷۵ در رم به قتل رسید. "ده دنده شکسته، گوش راست له شده، گوش دیگر کنده شده، گردن تکه پاره شده، قلب و کبد ترکیده، فک شکسته و انگشتان دست چپ قطع شده"



این بود جسم پیر پائولو پازولینی در ۲ نوامبر

## تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران از آغاز تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱)

۲۳ دی ۱۳۹۱ از عمر جنبش سندیکایی در ایران تا زمان انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ بیش از هفتاد سال می گذشت. سالهای طولانی تاریخ جنبش سندیکایی ایران را در این فاصله هفتاد ساله می توان به ۵ دوره مشخص زیر تقسیم کرد: سالهای اولیه رشد جنبش سندیکایی در ایران، شامل دوران انقلاب مشروطیت، از سال ۱۲۸۴ تا سال ۱۲۹۰ باعث تولد و رشد گسترده جنبش سندیکایی در ایران است. بعد از سال ۱۳۰۰ سالهای خفقان جنبش سندیکایی در دوران رضا خان به وقوع پیوست. از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۲۰ دوران رشد شکوفان جنبش سندیکایی مخفی در ایران است. سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ بزرگترین فدراسیون کارگری ایران با تلاش کارگران پایه گذاری شد. سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ سالهای طولانی سرکوب محمدرضاشاهی علیه جنبش سندیکایی در ایران بود. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ هر یک از این ادوار در جنبش سندیکایی کشور ما دارای مشخصه ها و قانونمندی های خود است. نقطه مشترک در همه آنها رشد بلاوقفه و توسعه مداوم و بیش از پیش جنبش سندیکایی و اتحادیه ای در ایران است. علیرغم تلاشهای دولتهای سلطه گر و رژیم های وابسته طی ۷۰ سال برای نابودی جنبش سندیکایی، نه تنها این جنبش سر خم نکرد، بلکه هر بار از زیر فشارهای طاقت فرسا و ضربات کمرشکن ارتجاع و استعمار، قویتر، پربارتر و با عزمی راسخ تر سر برافراشت. این قانونمندی عام جنبش سندیکایی و اتحادیه ای کارگران و زحمتکشان در تاریخ هفتاد ساله خود تا مقطع انقلاب ۵۷ است، که بطور مسلم تاثیر آن همچنان باقیست و باقی خواهد ماند. ادامه دارد....

## پیدایش حیات، ظهور و تکامل انسان (۲۲)

✓ در طول زمان و تکامل انسان به دلیل رفع نیازهای انسانی، بینایی قویتر شد و این امر انسان اولیه را قادر ساخت که غذایش را بهتر بیابد و دشمنش را زودتر ببیند. باید گفت که به وسعت میدان دیدش، در جهاتی که محاصره‌اش کرده بود، افزود. تمام این‌ها برای دست‌گاه عصبی ساختمان و وظایف جدیدی فراهم کرد؛ و این امر به نوبه‌ی خود تغییری در قشر مغز و تا اندازه‌ای در سازمان کلی بدن انسان‌ها به وجود آورد.

✓ در هنگام زایمان، مغز جنین چنان دارای شیارها و شکنج‌های آشکار و تکامل یافته‌ای است که می‌توان آن را به عنوان يك نمونه مغز پیش از بلوغ انسان تلقی کرد. اما جنین هنوز بیست سال وقت دارد تا از طریق بزرگ شدن ابعاد و پیچیده‌تر شدن سطح و ظهور شیارهای اضافی از نوع دوم و سوم تکامل یابد. مغز نوزاد انسان در حدود يك چهارم زمان بلوغ است در حالی که مغز نوزاد میمون آدم‌نما در حدود نصف و حتا دو سوم بالغ آن است.

✓ وزن نسبی مغز زن قدری از وزن نسبی مغز مرد بیشتر است، زیرا مرد به طور متوسط ۸ تا ۹ کیلوگرم از زن سنگین‌تر است، و حد متوسط طول قد مرد در حدود ده سانتی‌متر بزرگتر از حد متوسط طول قد زن است. این امر در میمون‌های آدم‌نمایی مانند گوریل و اورانگوتان نیز صادق است. نرها از ماده‌ها سنگین‌تر هستند و وزن نسبی مغز ماده‌ها بیشتر از نرهاست.

✓ از خصوصیات ویژه‌ی مغز انسان که قابل ملاحظه است عدم وجود تقارن در شکل و ساختمان نیم‌کره‌های مغزی است. اشخاص "راست دست" نیم‌کره‌ی مغزی سمت چپ‌شان از سمت راست‌شان بیشتر رشد کرده و ناحیه تکلم آن‌ها در سمت چپ است.

✓ بنابراین برای ظهور انسان و تکامل بعدی او بایستی رشد و تکامل پیش‌رونده ساختمان عمومی اعصاب و عضلات دست و ظرافت سازندگی قسمت‌های مربوط به دستگاه اعصاب مرکزی، و عضو بینایی، دایمن صورت بگیرد. دست و مغز متقابل بر یکدیگر اثر گذاشتند و در جریان کاری که اجتماعی انجام می‌شد تکامل پیدا کردند.

✓ اجداد بلافصل انسان میمون‌های آدم‌نمایی بودند که به طور غیرمعمول تکامل یافته‌اند، آن‌ها از لحاظ شعور و سازش با محیط نسبت به دیگران فوق‌العاده پیش افتاده‌اند. سازش از طریق قشر مغز، به کیفیات عمومی بیولوژیکی و تشریحی و فیزیولوژیکی سازمان بدن کاملن مربوط است، اما "ذیشعوری" را باید با فعالیت خود قشر مغز همراه با نواحی مناطق مرکزی دست‌گاه‌های حواس مربوط دانست.

✓ "نوع رفتار و اعمال در انسان و حیوان نه تنها با خصوصیات مادرزادی سیستم عصبی مربوط است، بلکه به اثرات محیط که در دوره‌ی زندگی فردی در موجود تاثیر کرده، و هنوز هم دایمن تاثیر می‌کند، مربوط می‌شود؛ و به معنی وسیع کلمه به تعلیم و تربیت مداوم مربوط است. این بدان سبب است که مهم‌ترین خصیصه سیستم عصبی، یعنی قابلیت انعطاف آن دایمن و هم زمان با خصوصیات مذکور در بالا عمل می‌کند."

بر گرفته از نوشته پاولوف (۱۸۴۹-۱۹۳۶) عصب‌شناس، فیزیولوژیست، روان‌شناس و پزشک روس و متخصص بازتاب‌های شرطی

## مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین، (۳۹)

✓ رشد و تکامل سرمایه داری، ضربه ی خرد کننده ای به اقتصاد طبیعی وارد ساخت .

در نظام سرمایه داری، همه چیز منجمله نیروی کار انسان، به صورت کالا در می آیند .

وقتی نیروی کار انسان در هیئت کالا در آمد، تولید کالایی، متداول و عمومی شد .

هنگامی که تولید کالایی در نظام سرمایه داری شکل اصلی و مسلط تولید شد، روابط افراد در روند تولید، یعنی روابط تولیدی مردم با یکدیگر، شکل روابط بین کالاها را به خود گرفت. برای تصور این موضوع، رابطه ی تولیدی اساسی جامعه ی سرمایه داری یعنی رابطه ی کارگر و سرمایه دار را در نظر گیریم. سرمایه دار برای استثمار کارگر باید او را مزدور سازد، در حالی که کارگر باید نیروی کار خود را که اکنون دیگر کالا شده است، بفروشد .

□ ♦ سرمایه دار، مزدی به کارگر می پردازد که کارگر، با آن مزد، اسباب معاش، یعنی کالاهایی را برای خود بخرد. به این ترتیب، روابط تولیدی بین کارگر و سرمایه دار مستقیماً بیان نمی شود بلکه توسط کالا بیان شده و خصلت روابط بین کالاها را به خود می گیرند .

✓ سرمایه داران، فراورده های تولید شده را به یکدیگر فروخته و از یکدیگر موادخام، تجهیزات و کالاهای دیگر را خریداری می کنند .

✓ روابط بین سرمایه داران نیز خصلت روابط بین کالاها را به خود می‌گیرد.

در جامعه‌ی سرمایه داری در حالی که روابط بین افراد به صورت روابط بین اشیاء یعنی کالاها ظاهر می‌گردد، تولید کالایی خصلتی عمومی و مسلط و رایج پیدا می‌کند.

### شرایط پیدایش سرمایه‌داری

تولید کالایی تنها آن جایی پیدا می‌شود که شرایط معینی برای پیدایش آن وجود داشته باشند.

مهم‌ترین شرطی که برای پیدایش و دوام تولید کالایی لازم است، تقسیم اجتماعی کار است.

منظور از تقسیم اجتماعی کار، این است که ساختن فرآورده‌های گوناگون بین افراد جداگانه یا گروه‌های جداگانه مردم، تقسیم شده باشد. برای مثال، گروهی از افراد به بافتن پارچه اشتغال بورزند، گروهی دیگر کفش بدوزند، گروه سوم لوازم خانه، چهارمی کار افزار و غیره.

واضح است که این افراد برای رفع نیازمندی‌های شخصی خود باید فرآورده‌های کار خود را مبادله کنند، و به این طریق جمع کلیه‌ی تولیدکنندگان با یکدیگر، یک واحد تولیدی بزرگ تشکیل می‌دهد که اعضای آن وابسته به یکدیگرند.



با نهایت تأسف و تأثر اولین سالگرد درگذشت جوانمرگان

**جار ، جواد ، مازیار ، مصیب و کودک خردسال کیان مرادیگی**  
**جوانمرگ ناهید و کودک خردسال نیلا مرادیگی**  
**و جوانمرگان فروزان ملکی ، بتول خانی و طوبی منصوری**

را به اطلاع دوستان ، آشنایان و همشهریان عزیز می‌رسانیم بهمن مناسبت مجلس یادبود مردانه و زنانه آئین‌جویان در

**روز پنج شنبه ۱۷/۸/۹۷ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر**  
**در منزل شخصی سرپل ذهاب واقع در محله فولادی**

منشی است که با تشریف فرمایی خود در مجلس مذکور روح آئین‌جویان را شاد و نسلی خاطر بازماندگان را فراهم فرماید

**خانواده های داغدار : مرادیگی ، ملکی ، خانی و منصوری**

چاپخانه رضا سرپل‌ذهاب غلغریان ۰۲۱۸۳۴۴۴۴۰

این فقط یک اعلامیه نیست، یک قطعنامه است. یک فیلم سینمایی بلند ! یک مستند درد ! می‌تواند عکس اول تمام روزنامه‌ها باشد .

خانواده ای که پیش، پیش، سهم پنجاه سال گورستان را فرستاده اند! خانواده ای که پیش پیش ، به اندازه ی پنجاه سال، سهم گریه را برداخت کرده اند!

حجمی از درد ، حجمی از داغ بر روی شانه های یک خانواده ! بر روی شانه های یک شهر ویران! محله فولادی ! زلزله فولاد را هم نمی‌شناسد!

برای شما یک خانواده که نه ! یک شهر نه ! یک سامان گریه می‌کند!

اعلامیه ای که به تنهایی فریاد فروخته یک شهر است! شهری که جغرافیای جنگ و گرد و غبار و زلزله و بیکاری است!

در سالگرد زلزله بر روح ویران مردمی گریه می‌کنم که چون حروف ال نوشته می‌شوند ولی خوانده نمی‌شوند! **رضا موزونی آبان ماه ۹۷**



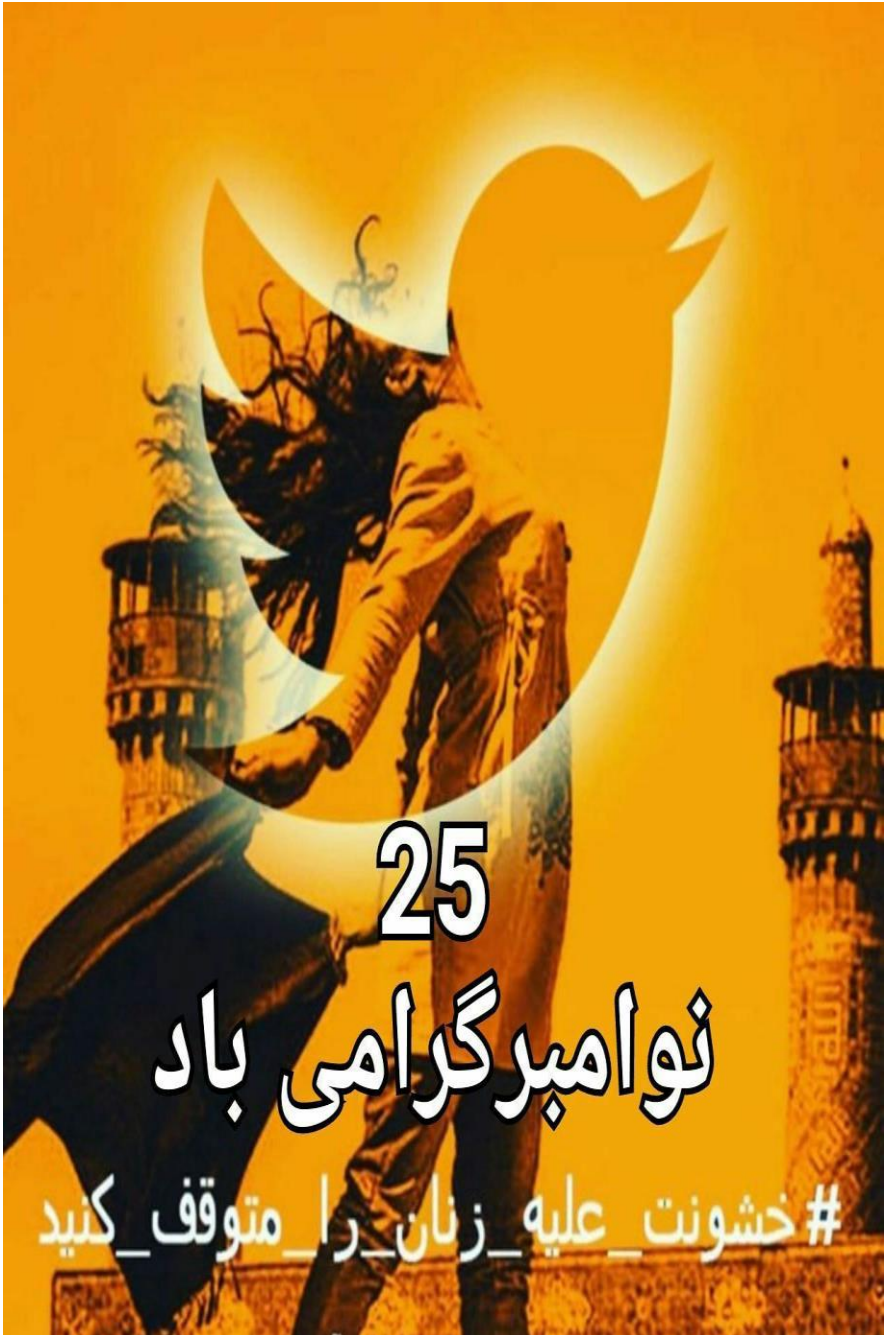
طیبه گورانی معلم کلاس اول در هرمزگان روز جهانی کودک پارچه ای به بچه ها می دهد تا رویش نقاشی بکشند بعد با آن پارچه لباسی می دوزد و می پوشد و به مدرسه می آید.

می گویند جیغ و شادی بچه ها تا هفت کوچه آن طرف می رفته



سپیده قلیان قاصدک هفت تپه، هشت روز در حبس است. آمده بود که همراه پدران کارگرش باشد تا شاید نوید آینده ای بهتر برای نسل خود.

سهم جوانان ما خشونت و زندان نیست.



25

# نوامبرگرمی باد

#خشونت\_علیه\_زنان\_را\_متوقف\_کنید